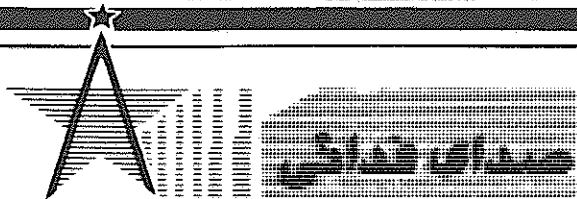


نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور

سال چهارم مرداد ۶۴ (اوت ۸۵) شماره ۳۳

وضعیت نیروهای چپ در ترکیه لنین و برنامه ارضی ۲۸ مرداد روزی سیاه در تاریخ ایران و . . .





بانگ رسای کارگران فریاد پر خروش زحمتکشان



پیام
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
به چهارمین کنگره سازمان دانشجویان
ایرانی در آلمان غربی
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا

شما در شرایطی چهارمین نشست سراسری خود را برگزار می‌کنید که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به خاطر حفظ حراست از سیادت سرمایه و منافع امبرالیسم تلاش می‌کند موج جدید اعتصابات کارگری و اعتراضات روزافزون توده‌ها را سرکوب نماید. جنگ ارتجاعی بین دولت‌های ایران و عراق و تداوم این جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز کشتار، آوارگی و فقر و فلاکت روزافزون اجتماعی برای توده‌های زحمتکش میمنان به بار نیاورده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی طی بیش از شش سال حکومت استکمرانه خود همواره کوشیده‌اند جامعه را به سوی بربریت قرون وسطایی پیش ببرند اما طی این دوره مبارزات همه جانبه و مبارزات قهرمانانه مردم برابر ایران سه تمامی مدافعان نظم کهنه، سرمایه‌داران و حامیان امبرالیسم و کلیه مرتجعین حاکم بر ایران نشان داد که آنان نمی‌توانند بدی در برابر تاریخ ایجاد نمایند و کارگران و زحمتکشان را از مبارزات انقلابی باز دارند. سیاست‌های ارتجاعی رژیم در زمینه مسائل اقتصادی نیز تشدید و خامت اوضاع اقتصادی و کمبود بیش از پیش مایحتاج عمومی را به دنبال داشته است. رژیم با حراج منابع و شروت‌های ملی، درآمدهای حاصل از آن را در جهت منافع و مقاصد جاه طلبانه و جنگ افروزان خود قرار داده است و در عوض موجب تنگدستی و فشار بیشتر اقتصادی بر دوش توده مردم را فراهم نموده است.

اتخاذ سیاست سرنیزه و برقراری دیکتاتوری تروریستی عریان از سوی رژیم جمهوری اسلامی باعث شده است تا خلق‌های ایران از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و سیاسی محروم گردند اما بحران اقتصادی - سیاسی موجود بی‌بسته تضادهای اجتماعی را تشدید می‌کند و جامعه را به سوی یک تلاطم عظیم پیش می‌راند. ادامه جنگ بر دامنه بحران سیاسی افزوده و با تشدید تضادها مبارزه را در پایین درمیان توده‌های مردم دامن می‌زند و شکاف در بالا درمیان طبقه حاکمه را عمیق تر کرده است. مجموعه شرایط موجود نشان دهنده این واقعیت است که بحران بی‌بسته عمیق‌تر شده و رژیم جمهوری اسلامی قادر به ایستادگی در برابر این بحران نیست. امروزه کارگران و زحمتکشان ایران وعده و وعیدهای

۲۵

همه روزه

ساعات ۸/۵ و ۱۲/۵ بعد از ظهر

بمدت ۲۵ دقیقه

امواج کوتاه

ردیف‌های ۶۴ و ۷۵ متر

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay-sous-Bois

France.

برای تماس با "صدای فدائی"

با نشانی زیر مکاتبه کنید



۲ مرداد -

سالروز شهادت

رفیق

محمد صفاری آشتیانی

رفرمیسم را در هر پوششی افشا کنیم!

جنبش دانشجویی خارج از کشور یکی از حساس ترین و پرمخاطره ترین لحظات تاریخی خود را سپری می کند. افزایش دم به دم بیماری های گوناگون اجتماعی، وحشتنا و ویرانی های ناشی از حاکمیت غارتگرانه سرمایه جامعه ایران را در آستانه انفجاری ناگزیر قرار داده است. اکنون تمام مساله این است که چه چیزی باید نبود شود و چه چیزی جایگزین آن گردد. خائنان به توده های مردم که با همکاری های مستقیم و غیر مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات توده ها و انقلابیون میهن و به خون کشاندن بسیاری از رفقای ما در کشورهای جهان بارها چاکری خود را به درگاه دولتمندان به ثبوت رسانیده اند و غمواره مطرود کلیه نیروهای انقلابی بوده اند بار دیگر در این سرانجام نکبت بار سعی در مطرح کردن خود در میدان مبارزه دارند. ایشان، برای کاهش بحران عمیق سیاسی و تخفیف تضادهای اجتماعی، نقش خود را چون هدفها و خواسته های مردم تبلیغ و ترویج می کنند؛ بر بنیاد ماعت طبقاتی خود برای جرح و تعدیل وضعیت موجود، با هدف تغییر و تعویض مهره های در بالا، به آخرین سنکراسای خود رو آوردند تا بلکه تا آخرین نفس مانع از درهم شکستن ماشین دولت بورژوازی گردند.

رفرمیست های ضد انقلابی در خارج از کشور، با جمع آوری باقی مانده های نیروهای خود - که از ایران خارج شده اند - و با تمرکز دادن آنها در این و یا آن کشور، در گام اول، تلاش خود را معطوف کرده اند به اینکه چگونه و از چه راهی جنبش دانشجویی خارج از کشور را با مهمیز رفرمیستی خود مهار کنند تا بدین وسیله جنبش انقلابی ایران را از حمایت های بی وقفه آن محروم سازند. اکنون این دشمن توده های مردم، به طور عملی، به توطئه کردن علیه جنبش دانشجویی مشغول است. به مراکز تجمع نیروهای انقلابی و دموکرات و به مناطق مسکونی رفقای ما حمله می کنند، از طریق راه کارکر، نقشه نفوذ در جنبش دانشجویی و عرض اندام در مراکز سیاسی را در سر می پروراند. راه کارکر از نظر به خدمت آنان کمر بسته است تا این چگونگی واقعیت یابد. حقیقت، در زمینه ای این خدمت گذاری، در پاریس و آلمان برای عمکان روشن شده است. رفرمیست ها مدت ها بود که از میدان به در شده بودند؛ اما راه کارکر، با پیکر نحیف خود، مصمم است، با ایفای نقش "حلقه واسط"، رفرمیسم را از زیر ضربه خارج سازد و با تطهیر آن دانشجویان انقلابی را بفریبد، تا بلکه زمینه را برای پیوند آن با جنبش انقلابی، در راستای به انحراف کشاندن انقلاب، مهیا سازد. اما راه کارکر این راه را یک شبه طی نکرده است. ابتدا باید دید که راه کارکر از کجا آغاز کرده است تا، در روند تحولات درونی خود بدین جا رسیده است.

در این شماره

- اخبار ایران ۷
- اخبار جهان ۱۵
- اخبار جنبش دانشجویی ۱۳
- وضعیت نیروهای چپ در ترکیه ۱۵
- نظری بر تحولات اجتماعی -
- سیاسی در انقلاب مشروطه ۲۵
- گزارشی از کنفرانس دهه زن
- در نایروبی ۲۴
- ۲۸ مرداد ، روزی سیاه در
- تاریخ ایران ۲۶
- لنین و برنامه ارضی ۲۹
- آموزش واژه ها ۳۸
- جهنمی هجاگو، عمید زاکانی ۴۱
- لنین ، شعری بلند از
- ولادیمیر مایاکوفسکی ۴۶
- کمکهای مالی ۴۸

عقب نشینی راه کارگر در سال ۸۲ به میان توده‌ها، که به عقب نشینی به پاریس و آلمان منتهی شده بود، در اولین گام خود، طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان "جاودان با حماسه" خرداد ۱۳۸۲ را دراز کردن " دست رفاقت و دوستی " به سوی مجاهدین و " بازو به بازو " شدن با ایشان در " حمایت شورای ملی مقاومت " شروع شد. اما این حمایت، در عمل روند عبرت آموزی را طی کرد. این حرکت مصادف بود با یورش بی‌پروا و قطعی رژیم جمهوری اسلامی به حق زندگی و ارزش‌های انقلابی توده‌های مردم و، در راس آن، به سازمانهای انقلابی و دموکرات.

رژیم سیاست سرکوب را به کوشش برای نابودی انقلابیون خاتمه نمی‌داد، بلکه با وارونه جلوه دادن حقایق و تحریف واقعیت، در صدد پراکندن بذر انفعال و گسترش روحیه ابهام و نشئت فکری بود. رژیم، همانند کلیه رژیم‌های سرمایه، به درستی می‌دانست که ترمیم ضربات جسمانی و کسستگی‌های تشکیلاتی برای سازمان‌های بالنده به‌فوری امکان پذیر است اما بازسازی " روحیه "، یعنی رفع برآیندهای ضربات روحی، به‌سالیان دراز نیاز دارد. تبلیغات به‌راه انداخته شده از جانب رژیم به‌میزان معینی از جانب راه کارگر در این دوره‌ی زمانی، که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران را در خط تلاشی " شورا " سرسخت یافت، درمیان حثات " جبهه‌ی همبستگی " - که در آن هنگام به‌تازگی عنوان شده بود - مورد استقبال و پژواک قرار گرفت. تلاش راه کارگر برای چه بود؟ تمام انرژی این جریان در این دوره، مصروف این بود که چگونه می‌تواند با بی‌هویت کردن سازمان‌های انقلابی، و با تبلیغ اینکه " سازمانی در کار نیست "، تشکلهای دانشجویی را که در خط افشای " شورا " بودند به‌انفعال بکشاند. که‌گاه، عرض اندام راه کارگر و تعمیق سیاست " همه با هم " برای سازش با " شورای ملی مقاومت "، فقط در گرو تحقق این امر بود. ابتدا از بی‌هویتی خود دم زد، سپس آن را به سایر سازمان‌ها تعمیم داد؛ اما یخ او در این زمینه نكرفت، یعنی که مشت او به‌فوری در این زمینه باز شد. در مباحثات حول اندام "جبهه‌ی... نظریات مافوق طبقاتی این جریان از دموکراسی چیزی جز محملی برای سازش با جناح‌های متفاوت بورژوازی در مبارزه علیه "تحفه‌ی وادیت فقیه " نبود. راه کارگر، که به‌نام خود نمی‌خواست با " شورای ملی مقاومت " دست به سازش بزند، مصمم بود آن را در پوشش سازمان‌های بی‌هویت (به اصطلاح دموکراتیک)، که با فرمولبندی "شاه و نمخمنی" آن شورا مشخص می‌کردید، و با کانالیزه کردن مبارزه در راستای افشای خمینی، عملی سازد (" همه با هم برای افشای خمینی "). اینکه به جای خمینی از چه چیزی باید دفاع می‌شد، از نظر راه کارگر، می‌بایست به فدای قیام محول می‌کردید. (

اما راه کارگر، با آن که این تلاش‌های ساده‌لوحانه‌اش را رفقای انجمن هوادار سفخا در پاریس عقیم گذاشتند، از حرکت باز نایستاد. این جریان، در تمام سال ۸۲ و ۸۳، تقریباً در تمام امور

مربوط به اتحاد عمل‌ها، همواره بر روی دو صندلی می‌نشست. سرانجام در جریان یورش دار و دسته‌ی سپاه سلطنت طلب، با انتشار اعلامیه‌ی مشترکی با مجاهدین جایگاه اصلی خود را پیدا کرد. در تمام سال ۸۲، راه کارگر به دنبال يك هدف بود: هدف این جریان این بود که، در خفا، نیرو و توان انقلابی جنبش دانشجویی را با احتیاط عریضه بیشتر و از کانال‌های سهل الوصول در مجرای " شورای ملی مقاومت " جاری کند. پامبری‌های بی‌آزار که در تمامی کمیته‌ها و نشست‌های بین نیروهای سیاسی به قصه‌ی مجاهدین در شورا " درباره‌ی تنها آلترناتیو و نبود هیچ نیرویی غیر از مجاهد " در صحنه‌ی عمل با لذت کامل کوش می‌دادند، امروز در اختلافات مربوط به بازگشایی سایت پاریس که بر سر کارشکنی مجاهدین و تلاش‌های نیروهای انقلابی و مترقی برای بازگشایی سالن مرکزی نشات می‌گرفت، جانب مجاهدین را گرفتند و با ایجاد صف بندی، طی اطلاعیه‌ی مشترکی با مجاهدین به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۲، علیه فعالیت‌های پیگیرانه دانشجویان انقلابی اقدام به خرابکاری کردند. در روز تحصن اطلاعیه‌ای با مضمون " تحصن نکنید " پخش کردند. راه کارگر، که " بازو به بازو " با سازمان مجاهدین و، خودپسندانه، غرق در رویاهای خویش و در نزدیک شدن به " شورای ملی مقاومت " در مبارزه با چپ انقلابی بود، از شادی در پوست نمی‌کنجید. در جریان کوچ اجباری ساکنان روستاهای کردستان در سی‌تا مبر ۸۲، اکثر محافل سیاسی در پاریس و حتی کومه‌له را به زیر چتر شعار خودگردانی ارتجاعی " شورای ملی مقاومت " کشانید؛ اما این حرکت سازشکارانه که در پوشش کمیته‌ی همبستگی صورت گرفته بود رسوایی به‌بار آورد. تلاشی کمیته با افشای نیروهایی که در این جنبه گرفتار آمده بودند معادل گردید.

" شورای ملی مقاومت "، که در صدد پیشبرد خط و برنامه‌ی خود بود، این بار شعار صلح دولت‌های ارتجاعی ایران و عراق را به راه کارگر تلقین کرد و باز این راه کارگر بود که با صداقت کامل وظیفه خود را انجام داد. در آلمان و در پاریس تظاهرات زیادی مصروف انجام دادن همین وظیفه شد؛ اما در انجام دادن این وظیفه موفقیت چشم‌گیری حاصل نشد.

در طی این مدت همواره استدلال راه کارگر در توجیه سیاست‌های سازشکارانه‌ی خود یکسان بوده است: " هیچ نیرویی به جز چپ نمی‌تواند شعارهای چپ را بپذیرد. چپ برای اینکه سکتاریست نباشد باید از شعارهایش دست بردارد تا بتواند ائتلافی را صورت دهد. طرح دموکراسی به‌صورت مقوله‌ای طبقاتی و با طرح حق تعیین سرنوشت و غیره موجب رمیدن غیر چپ از جمله مجاهدین می‌شود." پس برای حفظ " وحدت کلمه " چپ همواره باید کوتاه بیاید. تو گویی از نقطه نظر راه کارگر آحاد ملت ایران را اقشار و طبقات متضاد اجتماعی تشکیل نمی‌دهند و سرمایه‌داران همواره اصطلاح " آزادی " را به مضمون آزادی ثروتمندتر شدن برای ثروتمندان و آزادی کرسنگی کشیدن برای کارگران بدکار نمی‌گیرند.

آگهی

نشریه

هواداران سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران در سیستان و بلوچستان

را بخوانید

محدوده‌ی کوچک فعالیت خود در پاریس فراتر نمی‌رفت، دست به عمل مضحك و عبثی زد و، کوشید مدتی به شایعه‌ی "اشعاب" دامن بزنند. اما این حربه‌ی زشت و ناپسند نیز کارساز نبود؛ زیرا دانشجویان به خوبی می‌فهمیدند که توسل به این شیوه نتیجه ناتوانی نثری راه کارگر است و از طبیعت طبقاتی آن سرچشمه می‌گیرد. در عین حال، استفاده از این سبک گار، خود، باعث آشکار شدن سیمای واقعی راه کارگر گردید. از آن پس، توان اصلی راه کارگر، در کارزاری از کین توری سبانه و دروغ‌پردازی، در خدمت خط فرمیستی درآمد. زبان ناآرهای خطابه‌پردازی، که فقط در محیط تنگ تکنوکرات‌ها، نجبا و به‌طور کلی اقتدار و طبقات دارا و استثمار کننده رواج دارد، به خدمت گرفته شد. اصطلاحات، تعبیرات و، به‌طور کلی، زبان زرگری و معماگونه‌ای، که نشانه‌ی برتری و حاکمیت مفتخوران و انگل‌های اجتماعی است، نیازمندی‌های راه کارگر در مبارزه علیه چپ انقلابی را برمی‌آورد؛ چنین بود که راه کارگر تحقیق و فریب توده‌ها در زمینه‌ی انقلاب را، حتی در زبان خود نیز، منعکس می‌کرد. عرچه آلیاژ این فرعونک فرمیستی بیشتر شد و زمینه توسل به استفاده از این "توان" گسترش یافت، به‌همان نسبت نیز، طرفداران ظاعری "سوسیالیم" و "آزادی" در کردار بیشتر به سخنگویان فرمیست‌های ضدانقلابی مبدل شدند. در حقیقت، اعلام نثر قطعی راه کارگر، در نشست مورخ ۶ ژوئن ۸۵ مبنی بر تطهیر جریان فرمیستی حکایت از همین نقش داشت. راه کارگر، که یک بار به سراشیب سازش با آلترناتیو بورژوازی "شورا" پای نهاده و ناکام مانده بود، این بار، با امید به کار کشتکی حزب توده در به سازش کشاندن جنبش، گام به کام به قعر سراشیب سقوط کرد. راه کارگر، در این راه، یاد گرفت

جالب این بود که در تمام این ادوار، سعی راه کارگر بر این بود که این سیاست‌ها را در قالب "تشکل‌های دموکراتیک" و یا به‌نام هواداران و یا به‌نام اعضا (به اشکال متفاوت) به پیش ببرد، تا راه آینده را برای خود باز نگهدارد یعنی که در صورت تیره و تار شدن وضعیت "تنها آلترناتیو" محلی برای گریز باقی گذاشته باشد. آلترناتیو بورژوازی "شورا"، که با راه کارگر به‌سان مهره‌ای در صحنه‌ی شطرنج بازی می‌کرد، برایش عورا می‌کشید. همه اینها برای این بود که راه کارگر، با پیش گرفتن سیاست "همه با هم" و حفظ "وحدت کلمه" در بیرون از "شورا"، عملاً خدمت گذار "شورا" بود. به همین علت بود که نشریات مجامعین با دست و دل‌بازی تمام به تعایشگاهی برای نشان دادن امضا‌های ائتلافی با راه کارگر و دیگر محافل سیاسی بدل شد. هدف چه بود؟ هدف این بود که به هر قیمتی که شده است جمهوری اسلامی آقای رجوی را که عملاً به قدرت نرسیده بود، چند صباحی دیگر در افکار مردم ایران و جهان بر سر پا نگهدارند. می‌بایست چپ انقلابی را، که پیگیرانه خط تلاشی "شورا" را به پیش می‌برد، خنثی کرد. راه کارگر بیرون از "شورا" مانده بود تا این رسالت را ایفا کند. و از آنجا که دستش به جنبش انقلابی نمی‌رسید مجدانه می‌کوشید تا جنبش دانشجویی را به زائده‌ی آلترناتیوهای بورژوازی تبدیل کند و آن را، در راستای "شورای ملی مقاومت"، به‌سوی فنا بکشاند. اما واقعیت‌ها منطبق با ذهنیت راه کارگر نبود. واقعیت‌ها پیچیده‌تر از آن بودند که راه کارگر قدرت تعمق در آنها را داشته باشد. دانشجویان انقلابی این بار نیز تلاش‌های این جریان را عقیم گذاشتند. جنبش دانشجویی به زائده‌ی بورژوازی تبدیل نشد، "شورا" درهم شکست. چگونگی تلاشی آن راه کارگر را دچار سرگیجه کرد و در گوران عمین فروپاشی بود که جریان ضدانقلابی توده‌ای - اکثریتی از سوراخ‌های خود بیرون خزید. این بار، راه کارگر، ناامید از "شورای ملی مقاومت"، مستقیماً به دامن بانیان فرمیسم اقتدار در جریان تعرض کشتگری‌ها در آوریل ۸۵ به مراکز تجمع دانشجویان انقلابی در پاریس و آلمان، راه کارگر، همچون برده‌ای که پایش در زنجیر است، از حالت تعادل خارج شده بود، با همه چیز موافقت می‌کرد: هم با حضور کشتگری‌ها در سینه و هم با عدم حضور آنان! دنیای پرتناقض راه کارگر، در آن زمان، اینگونه بود! تعرض مجدد کشتگری‌ها به دانشجویان انقلابی در سینه، که با خشم انقلابی جنبش دانشجویی مواجه گردیده بود، راه کارگر را، منزوی کرد و، بیمناک از آینده، تنها گذاشت. این جریان، در عمان سفته‌ها لب به سخن گشود و "خوانسان پیوستن" "همه" به صفوف اپوزیسیون "ضد شاه - ضد خمینی" شد. اما این روند نتیجه‌ای جز رسوایی برای راه کارگر در پی نداشت. در عمین دوره بود که راه کارگر برای انحراف افکار، در ضدیت با طبقه کارگر و در راس آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به روش‌های کهنه شده بورژوازی متوسل شد. راه کارگر که دیدش از

که از آن پس چگونه رفرمیست‌ها را با جنبش انقلابی، و از این طریق با جنبش دانشجویی، پیوند دهد. در تاریخ ۲۳ ژوئن ۸۵، در پرداختن به وعایف خود در "دفاع از صلح جهانی"، به پیروی از تزه‌های روزیونیستی خروشید، نقش "حلقه واسط" جریان توده‌ای - اکثریتی با جنبش دانشجویی را ایفا کرد. تظاهرات دفاع از صلح حزب اوورکومونیست فرانسه، فرصتی بود تا راه کارگر بخت خود را در انجام دادن این وظیفه بیازماید. تلاش این جریان مصروف کشاندن سایر گروه‌ها و جریان‌های دانشجویی به این تظاهرات شد؛ اما، به جز عناصر توده‌ای، همه به آن یکپارچه جواب رد دادند. در صحنه تظاهرات، به جز جریان توده‌ای - اکثریتی و راه کارگری میچ نیروی ایرانی شرکت نکرد؛ و این سرانجام خفت بار، برای راه کارگر، آن نقطه تحولی بود که همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی - بر شالوده تجارب سه ساله اخیر خود و با پی بردن به واقعیت و چرخش راه کارگر - آن را تنها سزاوار صف رفرمیست‌ها می‌دانستند. در حقیقت، برای ما روشن بود که این سایه روشن‌ها پدیده‌ای تصادفی نیست، بلکه از خود طبیعت اهداف و نظریات این جریان سرچشمه می‌گیرد. تعجب‌آور نبود که در صف‌بندی‌های مقطعی سیاسی بر سر مسایل بی‌شمار جنبش، در تندیب‌ترین چرخش‌های مبارزه، یعنی در مبارزه روزانه، یعنی در مبارزه بر سر اینکه - همین امروز - از چه چیزی باید انتقاد شود و از چه چیزی باید دفاع گردد، راه کارگرمواره جانب آلترناتیوهای بورژوازی و شعارهای رفرمیستی‌رایشه می‌کرد. به جای دفاع از مبارزات پیگیرانه جنبش دانشجویی در راه اهداف انقلاب، نقش مخرب را عهده‌دار می‌شد. به جای دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق‌ها، جانب خودگردانی ارتجاعی را می‌گرفت. به جای دفاع از مطالبات و خواست‌های دموکراتیک توده‌های مردم، با روحیه‌ای سراپا آغشته به چاپلوسی، آن را فدای بند و بست با آلترناتیوهای بورژوازی می‌کرد. بر روی خصوصیات ارتجاعی صلح دولت‌های ایران و عراق به اشکال گوناگون سرپوش می‌گذاشت. به جای دفاع از دموکراسی انقلابی و ایجاد تشکلهای حقیقتاً دموکراتیک با هدف تقویت صفوف حامیان انقلاب، به دنبال ایجاد تشکلهایی بی‌عویت بود، تا تزویرهای تکراری دوران کنفدراسیون را، چون مهم‌ترین سلاح ایدئولوژیک بورژوازی، برای به انحراف کشاندن مبارزات انقلابی - دموکراتیک و به عزز بردن نیروی توان دانشجویان دیگر بار به کار گیرد. به جای دردم شکستن توطئه‌های خائنان ضدانقلابی، به عاملان بی‌چون و چرای آن تبدیل می‌شد. به همین علت است که اکنون هیچ کس در این باره تردید ندارد که راه کارگر، در نتیجه رسیدن به توافق با رفرمیست‌های ضدانقلابی و علنی شدن مناسبات متقابل آنها، به عامل اجرای سیاست‌های ایشان در جنبش دانشجویی مبدل گردیده است. قدر مسلم این است که راه کارگر، در این راه، مجبور است که دانشجویان انقلابی را بفریبد و رفرمیست‌ها را طرفدار "خلق" و در صف "اپوزیسیون انقلابی" جا بزند. اما دانشجویان

انقلابی آگاه‌تر از آنند که به این سادگی فریب خورند. آنان فراموش نمی‌کنند که رفرمیست‌ها خائنانی‌اند که بارها و بارها، در تاریخ حیات کشور ما، حکومت‌های ارتجاعی سرمایه، قوانین اساسی و، در یک کلام، سازمان اجتماعی آن را تائید کرده و زیب و آرایش داده‌اند. آنان نیک می‌دانند که در عر کجا که توفان پرخروش انقلاب برخیزد، کشتی شکسته‌ی دولت بورژوازی محکوم به غرق شدن خواهد بود. دانشجویان می‌دانند که عاملان سرمایه، در پوشش جملات پر زرق و برق و برنامه‌های رنگارنگ، به آخرین سنگرهای خود پناه می‌برند تا بلکه تا آخرین نفس مانع دردم شکستن ماشین دولت بورژوازی و انتقال تمامی قدرت به طبقه کارگر و دغقانان متشکل در ارکان‌های اقتدار توده‌ای گردند.

دانشجویان از یاد نمی‌برند که همین خائنان اکثریتی بودند که با قتل غم‌انگیز شهرام میرانی در هندوستان جنایت بزرگی را مرتکب شدند.

بنابراین، دردم شکستن اولین تعرض رفرمیست‌ها به مراکز تجمع نیروهای انقلابی و افشای بی‌امان راه کارگر، که توام با فریادهای متفرعن آن بود، اکنون با صراحت تمام نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که دانشجویان انقلابی از این نظر راه خطایی نیپوده‌اند. ایشان با این کار توانستند حرکات جنبش دانشجویی را در مسیر صحیحی قرار دهند. این چگونگی‌هاست که نشان می‌دهد که آن لحظات حساس و پرمخاطره‌ای که خود ویژگی لحظات تاریخی جنبش دانشجویی را تشکیل داده و وظایف نوینی برای آن به وجود آورده است عبارت از چیست. یکی از عمده‌ترین وظایف جنبش دانشجویی در لحظه کنونی در گرو تعیین تکلیف قطعی خود با رفرمیسم و دردم شکستن نهایی توطئه‌ی آن است. جریان توده‌ای - اکثریتی، که پشت سر راه کارگر پنهان شده است، فعالیت خود را شدت می‌بخشد. جنبش دانشجویی، در برون رفت از لحظات حساس کنونی، راه دیگری ندارد جز اینکه پیوند خود را با راه کارگر به کلی بکشد و از هرگونه سازشکاری با رفرمیسم بپرهیزد، و به‌طور قطعی به دفاع از خواست‌ها، مطالبات و مبارزات توده‌های زحمتکش مردم ایران در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی کام بردارد.

نخستین توطئه‌ی رفرمیسم را، اگرچه دردم شکسته است، به‌میچ روی پایان یافته نباید انگاشت. تداوم این توطئه، در آینده‌ی نزدیک، ناکزیر است. در راه خنثی کردن این توطئه و فلج کردن راه کارگر در به‌شمر رساندن آن، باید از تازه‌ترین تجربیات خود درس بیاموزیم. اتحاد محکم‌تر و واقعی در میان دانشجویان در عمل مبارزاتی، ایجاد عمامه‌نگی فعالیت‌ها با جریان‌ها و گروه‌های مترقی خارج از کشور، مبارزه قطعی با رفرمیسم، افشای بی‌امان نقش راه کارگر و قطع پیوند با آن، افشا و دفع بی‌رحمانه توطئه‌ی رفرمیست‌ها در عر کجا که در کار باشد این است یگانه‌سیاست درست برای دانشجویان انقلابی.

گزارشهایی از مقاومت توده‌ها در برابر روزه اجباری در ماه رمضان

طبق گزارشهای زیادی که به دست ما رسیده است توده‌های مردم در طول ماه رمضان در برابر اعلام روزه اجباری از طرف رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایستادگی شایان تحسینی از خود نشان دادند و کلیت دستگاه ایدئولوژیک رژیم یعنی آداب و مراسم ارتجاعی اسلام را به مسخره گرفتند. عرجه چهره جنایات و ضدخلقی رژیم برای توده‌های آگاه بیشتر آشکار می‌شود، به همان اندازه از ارج و حرمت سنتی اسلام برای توده‌ها کاسته می‌شود. به طوری که عم اکنون برای اکثریت قریب به اتفاق مردم جنایات رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی از آموزشها و عبادات و مراسم اسلام جدایی ناپذیر است. از این رو است که مردم به‌جانب آوردن عبادات اسلامی را نوعی مبارزه با رژیم می‌دانند. البته توده‌های آگاه به‌خوبی می‌دانند که تنها مبارزه با روستا تغییر عمده‌ای در زندگی آنها ایجاد نمی‌کند و آنچه باید نبود شود نظام سرمایه‌داری است. در زیر به چند گزارش از ایستادگی‌های نمونه‌وار توده‌ها در رابطه با روزه اجباری توجه کنید:

در "شرکت سهامی خاص خدمات کامیون پیام" مدیریت با روزه‌خواری علنی کارگران مواجه بود. در روز ۱۴/۳/۵ دستور داد تا شیرهای منبع آب آشامیدنی را بستند و از طرف دیگر هنگام ورود کارگران دم در نگاهیانی مورد بازدید قرار می‌گرفتند تا غذا و آب به‌همراه خود نیاورند. اما کارگران به شکل مخفیانه غذا و آب به‌همراه می‌آوردند و در کارگاه به صورت چند نفری می‌خوردند. در این رابطه استادکاری به‌طور علنی سیگار می‌کشید و در پاسخ انجمن اسلامی که به او اعتراض می‌کند، می‌گوید: برو بابا حوصله داری. کارگران ارضی نیز به بستن شیر آب اعتراض کردند.

در اولین روزهای ماه رمضان یکی از کارگران تراشکاری کارخانه زینس به‌طور علنی در کارگاه سیگار می‌کشید. یکی از اعضای انجمن اسلامی به‌او می‌گوید: چرا اینجا سیگار می‌کشی، برو توی توالت سیگار بکش. کارگر در جواب گفت: چرا من بروم توی توالت سیگار بکشم، تو برو توی توالت روزه بگیر.

داخل یک قنادی شدم که شیرینی بخرم، پیرمردی بعد از خریدن زولبیا یک عدد آنرا خورد. من به خنده گفتم: آقا مگه ماه رمضان نیست؟ پیرمرد جواب داد: "باشه، به‌درد که هست و هیچکس کاری نمیتونه بکنه. اگر اونا راست میشن جلوی این بیماروارو بگیرن که واجب‌تره." بغیه مشتری‌ها خندیدند.

دیدار رفسنجانی از چین و ژاپن

چین مردو از سیاست "نه شرقی، نه غربی" پیروی می‌کنند و مخالف "ابرفرشتهای" هستند. نخست‌وزیر چین نیز سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی را مورد پشتیبانی قرار داد و ظرفین اعلام کردند که در ۹۰ درصد "مسایل توافق دارند." رفسنجانی سپس در تاریخ ۱۰ تیر وارد ژاپن شد و در آنجا نیز از او استقبال گم سابقه‌ای به‌عمل آمد. او در طول اقامت خود در این کشور برای یوشاندن ماسیت امپریالیستی دولت ژاپن بارها اعلام کرد که "به‌عقیده وی ژاپن یک کشور شرقی است که سابقه استعماری و تجاوز ندارد و در میان مردم ما هم سابقه خوبی دارد." رفسنجانی در ادامه فریبکاریهای خود گفت: "همکاری بین دو کشور ایران و ژاپن که یکی مواد خام فراوان دارد و دیگری صنعت پیشرفته، می‌تواند برای پیشرفت آسیا و احیای عظمت این قاره در دنیا بسیار مفید و موثر باشد." (کیهان خوابی، ۱۴ تیر) طی اقامت رفسنجانی در ژاپن دهها قرارداد اسارت‌بار امپریالیستی به امضا رسید و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بدین ترتیب عرجه بیشتر سرسپردگی خود به

عاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ارتجاعی جمهوری اسلامی به همراه هیاتیی از کارشناسان اقتصادی و نظامی در اوایل تیرماه برای تحکیم روابط اقتصادی ایران با دولت چین و دولت امپریالیستی ژاپن و خرید تسلیحات نظامی به این کشورها سفر کرد. مقامات دولت چین به گرمی از رفسنجانی استقبال کردند. رفسنجانی که از استقبال گرم عملیاتی‌های



رفسنجانی در ملاقات با ناکازونه نخست‌وزیر ژاپن

خود شدیداً دوخته شده بود، سیاستهای عقب‌نراي دولت چین را ستود و بر موضع مشرک دو دولت در زمینه‌های گوناگون تاکید کرد. او گفت دولتهای ایران و

و صاحب معازره به من گفت: "ای خانم کی دیگه به این مساله اهمیت میدی. این همه ساندویچ فروشیا باز است و کسی کاری نمیتونه انجام بده."

با اینکه در ماه رمضان رژیم می‌کوشید مردم را وادار به اطاعت او دستورات خود بکنند هر روز دهها مورد از روزه‌خواری، مشاهده می‌شد. در بیمارستانی در بالای شهر شیر آب سردکن وجود داشت که معمولاً هر کس داخل می‌شد پس از نگاه به جمعیت و کسب اطمینان از اینکه افراد حزب‌اللهی در جمع نیستند به راحتی آب می‌خورد.

در بیمارستان پارس زن و شوهری در گوشه‌ای (پشت درختها) نشست بودند و سفره‌ای پهن کرده و صبحانه می‌خوردند. در پارک شهر یک زن به بهانه بچهاش پنهانی غذا می‌خورد. در میدان ولی‌عصر، راننده تاکسی‌ای به‌راحتی سیگار می‌کشید. در خیابان ستارخان شخصی که سوار پیکانی بود، سیگار می‌کشید. در یکی از خیابانهای مرکز شهر دو دختر وارد یک معازره شدند که فروشنده‌اش ارضی بود و از او آب خواستند. بعد از اینکه نمکی به اتفاق به رژیم فحش دادند

آب خورده و بیرون آمدند. در آموزشگاه خیاطی دختری وارد شد و بدون اینکه به کسی توجهی کند، به سمت شیر آب رفته و حسابی آب خورد. در مغازه پرده فروشی در حالیکه جمعیت در رفت و آمد بودند، دختری آب خواست که فروشنده او را به پشت معازره برده و به او آب داد. البته از این موارد بسیار زیاد می‌باشد.

(منبع گزارشها: بولتن خبری کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ۲۷ تیر ۱۳۶۴)

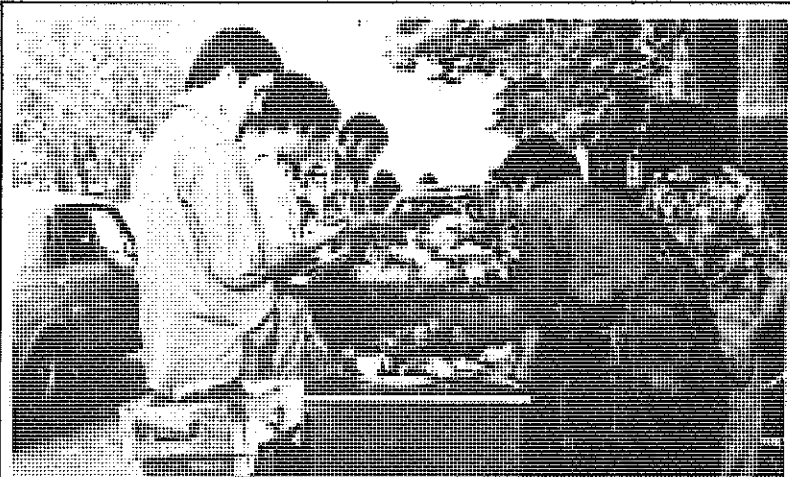
کمبود ۴۰،۰۰۰ یزشک در ایران

مرندی وزیر بهداشت رژیم در مصاحبه‌ای با روزنامه صبح آزادگان گفت "ایران با ۴۴ میلیون جمعیت با احتساب ۱ یزشک برای هر هزار نفر کلا به خدمات ۴۴ هزار یزشک نیاز دارد که در حال حاضر فقط ۱۴ تا ۱۳ هزار یزشک در ایران به کار طبابت اشتغال دارند." او سپس در مورد طرح رژیم برای بازگرداندن پزشکان ایرانی مقیم خارج از کشور گفت: "ما آرزوها و امیدهایمان را به صورت قول به بعضی از اطبا خارج از کشور دادیم

در گیلان ۵۰۰,۰۰۰ بیکار وجود دارد

در عین حال ناطق نوری وزیر کشور در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت که ما بچار کمبود کارگر هستیم: "اینکه می‌گویند کارگران ما بیکار بودند و در کنار خیابان سیگارفروشی و دیگر شغل‌های کاذب انجام می‌دهند باید گفت امکان ندارد کارهایی را که افغانه انجام می‌دهند انجام نخواهند داد. اینها بیکار نبودند و کشاورزی داشته‌اند منتهی

حجازی نماینده رشت در مجلس در مورد تعداد بیکاران در استان گیلان چنین گفت: "با تمام قدردانی که از دولت دارم و با سپاسگذاری از مسوولین استان باید عرض کنم برخلاف آنچه بین مردم و مسوولین رواج دارد که گیلان سرزمین مرفه است متأسفانه گیلان از مناطق محروم است. گیلان با داشتن ۵۰۰۰۰۰ بیکار که تراکم آن در رشت دیده



رشد روزافزون کسب و کار خیابانی، نمود دیگری از افزایش میزان بیکاری است، اما سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی، این راه ناگزیر امرار معاش را نیز از بیکاران سلب کرده است.

به علت اینکه کشاورزی قانع‌ش نمی‌ساخته و به شهر آمده و اکنون به هزار تومان در روز عم قانع نیست. امروز ما بچار کمبود کارگر هستیم و اینها کارهای کاذب از روی تنبلی می‌باشد." "جالب است! درست زمانی که حجازی اعلام می‌کند که گیلان دارای ۵۰۰۰۰۰ نفر بیکار است ناطق نوری با بیشرمی می‌گوید که "ما بچار کمبود کارگر هستیم" و کارگران و زحمتکشانی را که برای امرار معاش خود و خانواده‌هایشان مجبور به دستفروشی، سیگارفروشی و کارهایی از این قبیل می‌شوند را به "تنبلی" متهم می‌کند."

می‌شود و عدم احساس مسوولیت عده‌ای از مسوولین از نظر اقتصادی و اجتماعی و عمرانی چهره‌ای نازیبی به خود گرفته‌است." سخنان حجازی گویای وضع اسفناک کارگران و زحمتکشان گیلان- یکی از غنی‌ترین استانهای ایران است. بیکاری، فقر، بی‌خانمانی و دهنها بدبختی و فلاکت دیگر ناشی از اقتصاد ورشکسته سیستم سرمایه‌داری وابسته جمهوری اسلامی و جنگ خانمان سوز ایران و عراق است. بیان چنین آماري از زبان نمایندگان مرتجع رژیم، خود مبین تعداد وسیع‌تر بیکاران در استانهای دیگر ایران، که از منابع طبیعی گیلان برخوردار نیستند است."

معاملات سری رژیم برای تهیه تجهیزات نظامی افشا می‌شود

در کالیفرنیا سفارش می‌داد و سپس با طرح از پیش تعیین شده‌ای آنها را در مسیر حمل به آن پایگاه سرعت می‌کرد. آنگاه این قطعات نظامی تحت عنوان لوازم پزشکی و غیره به ایران ارسال می‌شد. این اولین بار نیست که معاملات سری رژیم جمهوری اسلامی برای تهیه تجهیزات نظامی افشا می‌شود. در گذشته نیز چندین بار از چنین معاملات اسارت‌باری پرده برداشته شد."

اخیرا آشکار شد که يك باند بزرگ قاچاق اسلحه در آمریکا در چند سال گذشته تجهیزات نظامی ساخت آمریکا و به‌ویژه قطعات یدکی هواپیماهای اف - ۱۴ را به سفارش جمهوری اسلامی به ایران ارسال می‌کرده است. این باند که در شهر سان‌دیاگو در ایالت کالیفرنیاي آمریکا لو رفت، با همکاری بعضی از افراد وابسته به نیروی دریایی آمریکا قطعات یدکی را برای يك پایگاه هوایی

و آنها نیز به کشور بازگشتند. ولی علی‌رغم آرزوی مسوولین در مورد اینکه به آنها خانه، تلفن، اتومبیل، حقوق مناسب بدعند این مساله امکان‌پذیر نشد و اینها برگشتند که متأسفانه انعکاس منفی داشت. ما به این نتیجه رسیدیم که باید عمین کادر موجود پزشکی را راضی نگه داریم و باعث رفتن آنها از مملکت نشویم."

روابط ایران و اتریش گسترش

می‌یابد

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای پاسداری از نظام سرمایه‌داری وابسته و تداوم حیات ننگینش هر روز بیش از پیش روابط اقتصادی و بازرگانی ایران را با کشورهای امپریالیستی و رژیم‌های وابسته گسترش می‌دهد و در مقابل فروش نفت به قیمت بسیار ارزان، کالاهای گوناگون ساخت کشورهای امپریالیستی را وارد می‌کند. در گذشته بارها اسناد اینگونه معاملات به وسیله‌ای دانشجویان انقلابی و به‌ویژه عواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در خارج از کشور افشا شد. اخیرا نیز رفقای عوادار سازمان در اتریش به‌عضی نشریات و بولتن‌های وزارت بازرگانی اتریش دست یافتند که گویای وابستگی نام و تمام جمهوری اسلامی به امپریالیست‌ها است. این اسناد مشخص می‌کند که اتریش علاوه بر عقد قراردادهای گوناگون اقتصادی و بازرگانی با ایران، به‌عنوان واسطه‌ی فروش کالاهای سایر کشورهای امپریالیستی به ایران نیز عمل می‌کند. برای مثال موسسه "وست آلپاین" (Vöst Alpine)، که سابقه دیرینه‌ای در غارت دسترنج زحمتکشان میهنمان دارد، اخیرا موفق شده است تا سومین قرارداد پایایی خود را با ایران منعقد کند. این موسسه قرار است نفت خام ایران را در بازارهای بین‌المللی به‌فروش برساند و در عوض محصولات ساخت اتریش و کشورهای دیگر را به ایران عرضه کند. دولت اتریش نیز برای تسهیل انجام معاملات، صدور گانه به ایران را بدون انتقال ارز مجاز دانسته است.

طبق یکی از اسناد، وزارت بازرگانی اتریش به سردمداران رژیم اعلام می‌کند: "بعد از انقلاب ایران روابط دو جانبه بین کشورهای ما به صورت بسیار رضایت بخشی توسعه یافته است... این توسعه انتقافی نبوده بلکه به این علت است که کشور بی‌طرف (ا) اتریش در تحریم اقتصادی سالهای ۸۱-۸۰ شرکت نداشته و به‌علاوه ساختمان اقتصادی دو کشور به خوبی مکمل یکدیگرند." لازم به یادآوری است که در سال پیش وقتی یکی از کامیونهای اتریش دستبندهای زندان به ایران حمل می‌کرد، در یکی از اتوبانهای اتریش واژگون می‌شود و این امر باعث افشاکاری وسیع گردید.

بمباران تهران و عکس العمل توده‌ها نسبت به سیاست جنگی رژیم

سفیر ایران در اتریش رهبری گروه‌های تروریستی را بر عهده دارد

روزنامه اتریشی کوریر (Kurier) در شماره ۲۱ ژوئن خود نوشت که طبق اسناد موثقی که به دست آورده است سفیر رژیم جمهوری اسلامی در اتریش رهبری عملیات تروریستی رژیم علیه مخالفان خود در خارج از کشور را به عهده دارد. به گزارش این روزنامه مهدی لهری مصطفوی که یکی از افراد قابل اعتماد خمینی به شمار می‌رود، برای بازسازی و عداوت شبکه‌ی ترور و برنامه ریزی عملیات جاسوسی در سراسر اروپا اخیراً به سفارت ایران در وین برگزیده شده است. این فرد که از سابقه‌ی تروریستی طولانی برخوردار است، قبل از عزیمتش به اتریش گروه تروریستی ویژه‌ای را در ایران تربیت کرد و حال قصد دارد به کمک این گروه ترور اسلامی را در اروپا گسترش دهد.

بودند و یک جوان ۲۲ ساله می‌گفت: "برادران همیشه در صحنه، آمده‌اند اینجا تا مرگ بر آمریکا بگویند و با لخنند تمسخر ادامه می‌داد؛ این هم شد وضع، امروز اینجا و فردا جاعای دیگر، خلاصه هر روز عده‌ای کشته می‌شوند به‌خاطر هیچ‌چیز".

★ ۱۲/۳/۷۴ - به نقل از یک شاهد عینی و ساکن گیشا شب گذشته ۴ راکت در خیابانهای ۲۶، ۴۸، ۳۱ و ۳۶ به خانه‌های واقع در این خیابانها اصابت می‌کند که تنها یکی از این راکتها منفجر می‌گردد و به سه نقطه دیگر خسارت فراوانی وارد می‌شود. در یکی از این خیابانها (خیابان ۳۱) ۳ ایارتان چهار طبقه بر اثر اصابت موشک بر روی ساکنین آن که در پارکینگ اجتماع کرده بودند، آوار می‌شود که به گفته‌ی عمان شخص حداقل ۵۰ الی ۶۰ نفر در هریک از این ساختمانها زندگی می‌کردند. دیوار بزرگی نیز بر روی ۶ جوان که در کنار آن ایستاده بودند خراب می‌شود که باعث مرگ آنان می‌شود. همچنین شش الی هشت نفر بر اثر برق گرفتگی که ناشی از پاره شدن سیمهای برق بوده است جان می‌سپارند. شدت انفجارها به قدری زیاد بوده است که انفجار کودک ۸ ساله‌ای را در خیابان یازدهم به دو متر پرتاب می‌کند. در همان دقایق اولیه انفجار جمعیت زیادی به طرف محلهای خراب شده هجوم می‌آورند و در عرض یک ساعت دهها هزار نفر اجتماع کرده و شعارهای ضد جنگ و مرگ بر خمینی داده‌اند.

به‌دنبال بمباران هوایی تهران به‌وسیله‌ی هواپیماهای جنگنده عراقی در خردادماه گذشته، گزارشهای فراوانی در مورد عکس‌العمل توده‌ها و برخوردشان به تداوم جنگ ارتجاعی بین دولتهای ایران و عراق دریافت داشته‌ایم. این گزارشها حاکی از آن است که توده‌های مردم از این جنگ ارتجاعی بیزارند و نفرتشان از جنگ را با خواست سرنگونی رژیم در پراتیک روزانه‌شان پیوند می‌زنند و بدین ترتیب شعار "تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی" (که شعار اصلی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در برخورد با جنگ است) هرچه بیشتر به‌خواست همه‌گیر توده‌ها تبدیل می‌شود. به بعضی از این گزارشها توجه کنید:

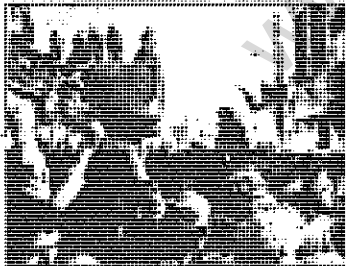
★ گیشا - کوی نصر (۱۲/۳/۷۴) در خیابان ۴۹، راکت به یکی از خانه‌ها خورده که به گفته‌ی اهالی محل، خانه یک طبقه ویلایی بوده است و صاحبان خانه آن شب در منزل نبوده و ۷ نفر که جلوی درب خانه ایستاده بودند در اثر انفجار درجا مردند و ترکش این راکت به خانه بنگل و روبروی آن اصابت کرده و باعث کشته شدن چند نفر و آسیب دیدن چندین خانه شده است و در سراسر خیابان تمامی شیشه‌های ساختمانها شکسته و به چندین ماشین آسیب رسیده و تعدادی از دیوارهای خانه‌های اطراف را خراب کرده است. به گفته‌ی اهالی محل این



Irans Botschafter in Wien: Terrorchef von Ayatollah Khomeini?

Hat am Sturm auf US-Botschaft mitgewirkt

ihnen zufolge ist er ein militanter Extremist, der in leitender Funktion an der am schaftspersonals mitgewirkt hat. Überdies soll er maßgeblich an der Aufstellung einer



Was in vorderster Front bei Geiselnahme dabei: Mostafavi

انتشار این خبر در روزنامه "کوریر" مزدوران رژیم در اتریش را به تکاپو انداخت تا از سر راه ممکن از جمله تقاضای توقیف روزنامه و تشکیل مصاحبه‌ی مطبوعاتی درصدد پوشاندن چهره‌ی جنایتکار خود برآیند. روزنامه مذکور در پاسخ به تهدیدهای سفارت رژیم در شماره روز بعد خود اعلام کرد که در آینده مدارک موثقی خود در این باره را به دادگاه ارائه خواهد داد.

★ ۱۳/۳/۷۴ : مسافرین یک تاکسی در مورد جنگ و مصائب آن صحبت می‌کردند و آنرا محکوم می‌کردند. راننده تاکسی که مردی ۳۵ ساله بود گفت: "ما الان یک جمع شش نفری هستیم و شمگی یا رژیم مخالفیم ولی کاری از دستمان بر نمی‌آید چون توی دلمان مخالفت می‌کنیم. اگر صدایمان را بلند کنیم آنوقت درست است".

شدیدترین انفجار در این منطقه بوده است و چندین کشته به‌جای گذاشته است. زنی روبروی خانه‌ای که راکت به آن اصابت کرده بود نشسته بود و گریه می‌کرد. این زن گویا سه فرزند خود را در جریان بمباران از دست داده بود. کمیته چند قدمی‌بین‌تر از محل زندگی این زن ایستاده بود که مبادا زن حرفی بزند و مردم را تحریک کند. جمعیت زیادی در محل جمع شده

شعله‌های انقلاب در آفریقای جنوبی زبانه می‌کشد!

گروسی غرب معتقدند که مقررات جدید کارت سفیدی است برای ارتکاب سرگونه تعرض و جنایت به وسیله پلیس بدون اینکه قابلیت پیگرد قانونی و یا انعکاس بیرونی داشته باشد. بر طبق این مقررات دسترسی و ملاقات با بازداشت شدگان تنها در صورت کسب اجازه رسمی از دادستان و یا رئیس پلیس امکان‌پذیر می‌شود. در همین رابطه قوانین جدیدی نیز برای سانسور مطبوعات داخلی و خارجی به مورد اجرا گذاشته شده که بر طبق آنها گزارش رویدادهای تظاهرات

در این میان سیاه‌پوستانی که سابقه همکاری با دولت داشته و یا مظنون به خیرچینی و جاسوسی برای دستکاهای سرکوب بوده‌اند، مورد خشم شدید توده‌ها قرار گرفته تعدادی از آنان کشته و مجروح و بسیاری از ترس جان خود از محلات سیاه نشین گریخته و به مقامات دولتی پناهنده شدند. "حالت اضطراری" در موقعی از طرف دولت اعلام شد که سیاهان شهر "ایلینگهل (Ilingshel)" در جریان مراسم تشییع جنازه چهار تن از رهبران محلی خود که در ماه گذشته

نزدیک به يك سال است که موج اعتراضات زحمتکشان سیاه آفریقای جنوبی علیه دولت نژادپرست این کشور و سیاستهای فاشیستی آن به نحو روزافزونی ادامه داشته است. اما در طی ماه گذشته این مبارزات با ابعادی به مراتب وسیع‌تر از پیش شدت یافته است. بنابر تخمین خبرگزاریهای غربی تنها تا تاریخ ۱۸ ژوئیه بیش از ۵۰ تن در تظاهرات شورشهای مختلف به دست نیروهای امنیتی پلیس کشته، صدها تن زخمی و عده نامعلومی دستگیر و بازداشت شده‌اند. شدت



و قیامهای منطقه‌ای و اعلام نام کشته‌ها و یا دستگیر شدگان تنها با کسب اجازه رسمی از وزارت کشور دولت نژادپرست امکان‌پذیر است. بنابر آخرین گزارشهای خبرگزاریهای غربی از ۴۰ ژوئیه تا امروز (۲۶ ژوئیه) ۹۰۰ نفر دستگیر شده و تعداد نامعلومی کشته و یا زخمی شده‌اند. به ادعای "جبهه اتحاد دموکراتیک" (United Democratic Front) اکثریت افراد بازداشت شده از اعضا و هواداران این جریان‌اند. این جبهه که از اتحاد بیش از ۶۰۰ گروه و جریان گوناگون تشکیل شده است معتقد به شیوه مسالمت آمیز مبارزه و در چارچوب "قانون" است. این جریان سعی دارد با دعوت توده‌ها به آرامش از اوچ‌گیری جنبش انقلابی در میان سیاه‌پوستان جلوگیری به عمل آورده و مبارزه سیاسی را تنها به خواست "حق رای" و "انتخاب" برای سیاهان

به طرز مشکوکی به قتل رسیده بودند. تظاهرات گسترده‌ای را برپا کردند. شرکت کنندگان در این مراسم پیش از ۴۰۰۰ تن بودند که بسیاری از آنان از دیگر نواحی آفریقای جنوبی مانند "وسترن کیپ" (W. Cape) و "ترانسوال" (Trans Vaal) برای این تظاهرات به آنجا آمده بودند. کثرت تعداد تظاهر کنندگان در این مراسم باعث شد که نیروهای نظامی و امنیتی جرات حمله به مردم را به خود ندهند. این دومین بار در تاریخ آفریقای جنوبی است که از طرف دولت "حالت اضطراری" اعلام می‌شود. مقررات مشابهی در ماه مارس سال ۱۹۶۰، یعنی یک هفته پس از شورش و قتل عام ۷۵ نفر مردم "شارپ ویل" (Sharp Vile)، به مرحله اجرا گذاشته شده بود. وضعیت در آفریقای جنوبی چنان وخیم شده است که حتی بعضی رسانه‌های

اعتراضات و وسعت آن دولت نژادپرست را چنان به وحشت انداخته است که در روز شنبه ۴۰ ژوئیه با اعلام "حالت اضطراری" در مناطق وسیعی از کشور شرایط شبه - حکومت نظامی را حکمفرما ساخت. یگانهای ارتشی با همکاری واحدهای ضدشورش پلیس ضمن محاصره مناطق سیاه نشین سرگونه عبور و مرور را به این مناطق ممنوع کرده، از ورود خبرنگاران جلوگیری به عمل آوردند. سه شهر سیاه نشین "سووتو" (Soveto)، "ایست رند" (East Rand) و "پورت الیزابت" (Port Elizabeth) که بنابر سوابقشان عموماً از صحنه‌های اصلی مبارزات زحمتکشان سیاه‌پوست بوده‌اند از اولین مناطقی بودند که در اشغال نیروهای امنیتی درآمدند. گزارشهای موجود از "ایست رند" حاکی از برخوردی خونین بین سیاهان و نیروهای دولتی در هفته گذشته است.

فیلیپین: تداوم عملیات مسلحانه



چریکهای کمونیست NPA موفق شده‌اند ۱۳ برج فرستنده برق مربوط به یک نیروگاه اتمی جدیدالتاسیس را منفجر کنند. این برجها که در ۵۰ کیلومتری شرق مانیل بروی سلسله کوههای "باتان" قرار دارند همزمان منفجر شدند. بنا بر این گزارش، انفجارها باعث قطع برق در مناطق وسیعی از این جزایر شد.

این برجها بنا بود ۶۲۰ مگاوات برق به شبکه شهر لوزن برسانند و هر کدام ۱۷۰۰۰ دلار ارزش داشتند. ماه گذشته ۱۵۰۰۰ نفر از مخالفین نیروگاههای اتمی طی سه روز در برابر این نیروگاه تظاهراتی بر پا کردند.

میانجی‌گری D.F.L.P. بین جناحهای

مختلف فلسطینی

ایوبعی - روزنامه اتحاد گزارش داد که فاروق خدومی، مسئول بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین، از جبهه دموکراتیک برای رعایی فلسطین (DFLP) درخواست کرده است که بین سازمان فتح و دیگر جناح‌های فلسطینی به میانجیگری بنشیند.

این روزنامه می‌نویسد که فاروق خدومی به (DFLP) که رهبرش نایب حواتمه می‌باشد، پیامی فرستاده و خواستار تلاشهای میانجیگرانه‌ای برای رفع اختلافات میان کمیته مرکزی فتح و دیگر جناح‌های فلسطینی شده است.

این روزنامه می‌افزاید که پیام مذکور خواستار برقراری روابط حسنه بر اساس شرایط مصوب "شورای انقلاب فتح" در آخرین نشست خود است که در آن توافق مسالمت‌آمیز با اسرائیل محکوم

خود افزود که ۱۱ فرودگاه، تعدادی شمارش انبار اسلحه و مهمات، ایستگاههای رادار، مرکزی برای تعلیم نظامی و چندین جاده استراتژیک به منظور نقل و مکان سریع نظامیان، در مناطق مرزی سندوراس و نیکاراگوئه ساخته شده است. خانم Velasques همچنین در گفته‌های خود خاطر نشان ساخت که بر خلاف تمام ادعاهای دولت لیبرال دست راستی قرارداد سندوراس با آمریکا برای چهار میلیون جمعیت هندوراسی، امنیت و بهبودی در وضعیت مشقت بار اجتماعی-اقتصادی به بار نیاورده است. او گفت که جهل، کمبود خدمات درمانی، وضعیت بد مسکن و بیکاری عمومی بر همه جا سایه افکنده است و حدود ۷۰٪ از مردم روستا و بیش از یک سوم شهرنشینان در فقر بسیار بدی بسر می‌برند.

بحران و سرکوب در هندوراس

Zenarida Velasques رئیس کمیته خویشاوندان مفقود شدگان و زندانیان سیاسی سندوراس طی مصاحبه‌ای گفت که با رشد مبارزات رهاشیکش در آمریکای مرکزی و از عمه بالاتر بعد از انقلاب نیکاراگوئه، هندوراس بیش از پیش طعمه سیاستهای تجاوزگرانه آمریکا در منطقه شده است. از اوایل دهه ششاد این کشور به منطقه تجمع نیروهای نظامی واشنگتن درآمده است. در طی سه سال گذشته بیش از ۲۰۰۰۰ سرباز هندوراسی در یکی از سخت پایگاه نظامی که توسط پینتاکون اداره می‌شود، تعلیم دیده‌اند و چندین هزارتن از نظامیان آمریکایی به بهانه تمرینات نظامی به مدت بیش از دو سال در هندوراس مستقر شده‌اند.

خانم Velasques در ادامه سخنان

محدود کند.

جریان عمده دیگر اپوزیسیون در آفریقای جنوبی "کنگره ملی آفریقا" (African National Congress) است. علی‌رغم اینکه این جریان مبارزه مسلحانه را چون مشی اجتناب ناپذیر مبارزه برای آزادی سیاهان آفریقای جنوبی تبلیغ میکند و در طی دو دهه گذشته عموماً با مقاومت انقلابی، مبارزات خود را علیه دولت نژادپرست ادامه داده است، اما با این وجود دچار بعضی انحرافات نیز هست.

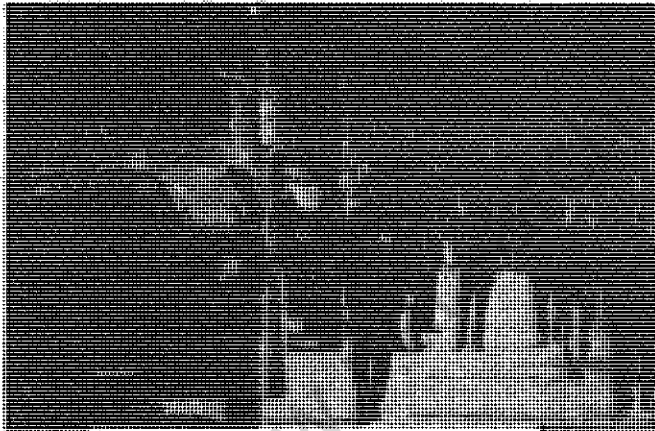
باری چنانچه از شواهد امر برمی‌آید بی‌تردید موج ناگهانی رویدادها و خیزش وسیع شده‌ای در چند هفته گذشته مردم جریان فوق را غافلگیر کرده و کنترل و ابتکار عمل را در قبالتوده‌های به‌پاخاسته از آنان سلب کرده است.

دولت نژادپرست بیسناک از بانک انقلاب دیوانه‌وار به سرکوب جریان متوسل شده است. روزنامه گاردین چاپ لندن در سرمقاله شماره ۲۲ ژوئیه خود می‌نویسد "شواهد بیشماری در دست است که باندهای ترور دولتی هر روز عده‌ای از رهبران و افراد سرشناس سیاهپوست را که ادامه حیاتشان ممکن است باعث مزاحمت برای حکومت باشد به قتل می‌رسانند". اما تجربه انقلابهای جهان نشان داده است که عریای طبقات سرکوبگر رهبران جنبش و عناصر آگاه را بازداشت می‌کنند و یا عطف ترور قرار می‌دهند، رهبرانی به مراتب رزمنده‌تر و آگاه‌تر از متن جنبش سربرمی‌آورند و جای یاران از پای افتاده خود را پر می‌کنند. شرایط اختناق و سرکوب بی‌حدومرز چه در قبل از اعلام "حالت اضطراری" و چه در بعد از آن متضمن این امر است که هیچ نوع پیشنهاد رفوم و سازش از طرف دولت نژادپرست و یا جریانهای سازشکار مورد قبول زحمتکشان سیاهپوست قرار نگیرد و تنها خشم انقلابی آنان را برانگیزد.

آمریکا: اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ

قرارداد جدیدی با اتحادیه را ندارد. سیاست تضعیف هرچه بیشتر اتحادیه در حالی اجرا می‌شود که نیمی از کارگران عضو این اتحادیه در غرب ویرجینیا و یک پنجم کل اعضای آن در سرتاسر آمریکا (۲۵۰,۰۰۰ نفر) بیکار و اخراج شده‌اند. امروز پس از گذشت دوره نسبتاً طولانی از اعتصاب، درگیری بین طرفین متخاصم به ابعاد خونین و خشونت‌آمیزی رسیده است. شدت درگیری‌ها در بعضی از مناطق به حدی است که کارگران یا برپایی سنگ‌های شنی، در مقابل حملات پلیس به طور مسلحانه به دفاع از خود برخاسته‌اند. در این رابطه کارگران اعتصابی معتقدند که موسسه با به خدمت گرفتن مزدوران مسلح درصدد است تا از هرگونه مذاکره جدی جلوگیری به عمل

نه ماه رویارویی کمپانی‌های معادن و معدنچیان اعتصابی در کنتاکی - ویرجینیا غربی آمریکا، هم‌اکنون به یک نزاع تلخ و خونین تبدیل شده است. این اعتصاب که از اکتبر سال گذشته آغاز شده است با گذشت بیش از نه ماه به یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب‌های تاریخ صنعت ذغال سنگ این کشور تبدیل شده است. هزار معدنچی درگیر این اعتصاب معتقدند با استفاده از صندوق اعتصاب ۷۰ میلیون دتری خود قادر خواهند بود تا برای سال‌ها به تظاهرات و اعتصاب خود علیه کمپانی‌های ذغال سنگ ادامه دهند. اعتصاب هنگامی آغاز شد که برخی از شرکت‌های وابسته به Massey (موسسه ذغال سنگ) از مذاکره مشترک با اتحادیه



گروهی از پلیس آمریکایی در مقابل کارگران اعتصابی

شمرده است. با این همه، در پیام خدومی از توافقی‌های اخیر اردن و فلسطینی‌ها که باعث تعمیق اختلافات گروه‌های درون PLO شده، سخنی به‌میان نیامده است.

آرژانتین: تحصن کارگران در کارخانه‌ها

به دنبال مخالفت اتحادیه‌های کارگری با برنامه اقتصادی آلفونسین، رئیس جمهور آرژانتین، کارگران برخی از صنایع آرژانتین دست به تحصن زده‌اند. کارگرانی که از هفته پیش در کارخانه ماشین سازی فورد، در ۴۰ مایلی بوینس آیرس تحصن کرده‌اند خواستار استخدام مجدد ۳۳ کارگری هستند که به علت "غیبت" اخراج شده بودند. ۲۰۰۰ نفر از ۵۰۰ کارگر این مجموعه صنعتی در کارخانه سنگربندی کرده‌اند و آماده‌اند تا با هرگونه حمله پلیس مقابله کنند. مدیران کارخانه فورد، بر علیه جناح چپ اتحادیه اعلام جرم کرده‌اند و ادعا دارند این بخش اتحادیه بدون کسب موافقت از رهبران اتحادیه دست به تحصن زده است.

علاوه بر تحصن در کارخانه فورد، طی چند هفته گذشته در ۶ محل دیگر از جمله یک کارخانه بسته‌بندی مواد غذایی، کارخانه سیمان و کارخانه سازنده دستکاه‌های آبگرمکن و ۲ بانک کارگران و کارمندان محل کار خود را اشغال کرده‌اند. آنها به سیاست اخراج کارگران اعتراض دارند. بحران اقتصادی آرژانتین در چند ماهه گذشته باعث ورشکستگی تعداد زیادی از کارخانه‌ها و صنایع این کشور شده است.

لبنان:

جنگ قدرت بین نیروهای مسلح

روز سه‌شنبه ۱۵ ژوئیه، راننده یک خودرو که حامل ۱۰۰ کیلوگرم مواد منفجره بود در یک عملیات انتحاری ۷ تن از غیرنظامیان لبنانی و ۲ نفر سرباز لشکر جنوب لبنان را به علاکت رسانید. بنا به اظهار سخنگوی "سازمان صلیب سرخ بین‌المللی" در ژنو، تعداد ۱۰ خودرو این سازمان در منطقه جنوب لبنان در هفته‌های اخیر به سرقت برده شده بودند که احتمال می‌رود خودرو مذکور یکی از اینان باشد. این عملیات در منطقه بازرسی جنوب لبنان و در حوالی دهکده "تیبنیت" (Tibnit) که حدوداً ۵ مایل از مرز شمالی اسرائیل فاصله دارد اتفاق افتاد.

تعداد عملیات انتحاری از طرف مسلمانان شیعه لبنان (حزب‌اللهی‌ها) در هفته‌های اخیر مجموعاً به سه مورد رسیده است. در روز سه‌شنبه ۹ ژوئیه آسمان نیز ۲ مورد عملیات انتحاری به فاصله ده دقیقه از یکدیگر در منطقه

(UMW) برای عقد قرارداد جدید خودداری کردند. رهبران اتحادیه و کارگران اعتصابی معتقدند که موسسه Massey در صدد است تمامی فعالیت‌های خود را جدا از اتحادیه و کارگران عضو اتحادیه، به‌پیش برد و به‌هیچ‌وجه قصد انعقاد

آورد. لازم به توضیح است که موسسه Massey از ۱۰۰ شرکت تشکیل شده است برطبق مقررات این موسسه کارگرانی که در یک شعبه از کار برکنار می‌شوند، امکان کار در دیگر شعبه‌ها را نیز ندارند.

حفاظتی جنوب لبنان که مقر "لشکر جنوب لبنان" می‌باشد، اتفاق افتاد. راننده یکی از این عملیات یک زن بود. تعداد گشته‌شدگان در دو عملیات فوق مجموعاً ۱۹ نفر بود که دو تن از آنان از سربازان "لشکر جنوب لبنان" بودند.

در هفته‌های اخیر جنگ قدرت بر سر تثبیت موقعیت برتر در منطقه بین سازمان ارتجاعی "امل"، به‌سربری نبی بری و حزب‌اللهی‌های لبنان به اوج خود رسیده است. عملیات اخیر انتحاری از طرف حزب‌اللهی‌ها بر علیه

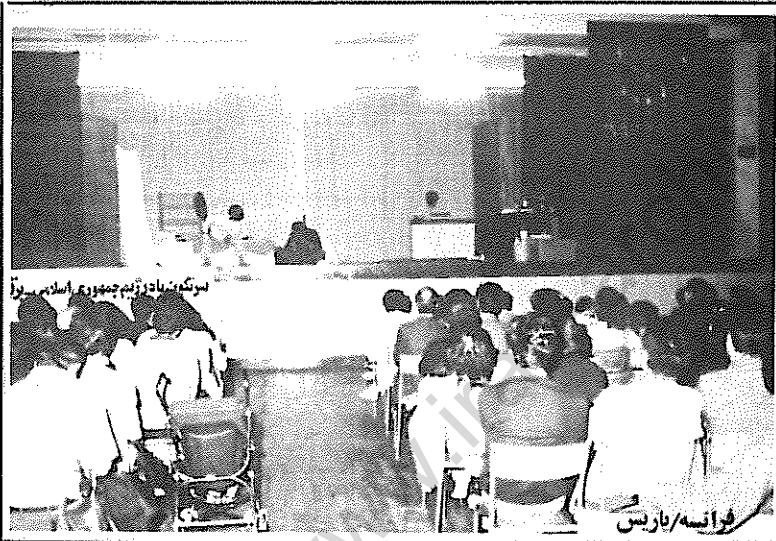
"لشکر جنوب لبنان" در واقع تاکتیکی برای پیشی گرفتن از "امل" در این جنگ قدرت محسوب می‌شود. خروج ارتش اسرائیل از جنوب لبنان و سپردن "حفاظت" منطقه به دست "لشکر جنوب لبنان" که با مذاکرات بین "امل" و اسرائیل صورت گرفت، موقعیت "امل" را در توازن سیاسی نیروهای لبنان برتر کرده بود. از اینرو حزب‌اللهی‌های لبنان برای پیشی گرفتن از نبی‌بری که پافشاری چندانی در مورد خلعید از نیروهای "لشکر جنوب لبنان" نمی‌کند، با این عملیات پایه میدان گذاشته‌اند.

بزرگداشت رفقا

حمید اشرف

و

سعید سلطانپور



انجمنهای دانشجویی هواداران زمان چریکهای فدایی خلق ایران به یاد امروز شهادت فدائیان خلق رفقا حمید اشرف و همزمانش و به یاد به خون تبیین رفیق سعید سلطانپور جلسه های بزرگداشتی در شهرهای مختلف جهان : پاریس ، دهلی ، ساندیاگو ، برکلی ، گوتینگن ، لندن ، وین ... برگزار کردند.

- در پاریس برنامه با مقاله ای تحت عنوان " یادنامه سعید " و دکلمه اشعار رفیق سلطانپور آغاز شد . در قسمت دوم برنامه تئاتری در سه پرده ، حاکی از تأثیر متضاد عناصر انقلابی و فرمیستهای بر زندگی یک کارگر ، اجرا شد . برنامه با سخنرانی آقای باقر مومنی به پایان رسید . در این جلسه حدود ۴۰۰ نفر شرکت کردند .

- در دهلی جلسه با مقاله ای در باره زندگی کوتاه ولی سرشار از مبارزه رفیق سلطانپور آغاز شد و با نمایش فیلم " حرف بزن ترکمن " ادامه یافت .

- در ساندیاگو برنامه شامل نمایش اسلاید ، مقاله و فیلم قیام ۵۷ بود .

- در شمال کالیفرنیا رفقا نمایشی تحت عنوان " چهره ای از سعید " اجرا کردند که شامل دکلمه اشعار رفیق سعید و بخشی از نمایشنامه های او از جمله " صنگ " بود . در پایان برنامه فیلم " زندانیان سیاسی " به نمایش گذاشته شد .

- در گوتینگن پس از قرائت مقاله و دکلمه اشعار ، سرود " شهیدان تیر " اجرا شد . این مراسم با نمایش فیلم " حکومت نظامی " به پایان رسید .

- در لندن ابتدا زندگی نامه رفقا حمید اشرف و سعید سلطانپور خوانده شد . پس از شعرخوانی اسماعیل خویسی از کتاب " نیا هگل " ، فیلم تئاتر " مرگ بر امپریالیسم " ساخته سعید سلطانپور به نمایش گذاشته شد .

- در وین انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفا به همین مناسبت نمایش خیابانی اجرا کرد .



سانفرانسیسکو - در روز ۶ ژوئن ۱۹۸۵ ، هجدهمین سالگرد اشغال تجاوز کارانه نوار غربی رود اردن ، غزه و ارتفاعات جولان ، و سومین سالگرد تسخیر و اشغال نظامی لبنان توسط اسرائیل، تظاهراتی در اعتراض به نقش اسرائیل ، در مقابل کنسولگری این کشور در سانفرانسیسکو برگزار گردید . این تظاهرات با شرکت تعداد زیادی از نیروهای و عناصر مترقی منطقه به مدت دو ساعت به طول انجامید . در پایان تظاهرات پیامهایی از طرف نمایندگان جنبشهای رهایی بخش آفریقای جنوبی، فلسطین و السالوادور خوانده شد . رفقای هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز با حضور خود در این تظاهرات همبستگی خود را با خلقهای تهران آفریقای جنوبی، آمریکای مرکزی و خاورمیانه اعلام کردند .

اتریش

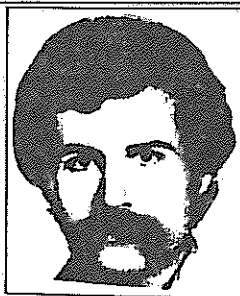
وین - در مخالفت با قانون جدید سازمان کار و امور اجتماعی دولت اتریش ، مبنی بر محدود کردن حقوق پناهندگان سیاسی و خانواده های آنان ، کاهش حقوق بیکاری کارگران، تظاهراتی به دعوت اتحادیه های کارگران بیکار و با حمایت سازمانهای مترقی داخلی و خارجی برگزار شد . تظاهرکنندگان اعتراض خود را نسبت به این سیاست شبه فاشیستی خاص دوران بحران سرمایه - داری ابراز کردند .

لازم به تذکر است که در این تظاهرات حتی یک "پناهنده" از کشورهای بلوک شرق و یا افغانی و یا عامل سلطنت طلب و غیره به چشم نمی خورد . این خود نمایانگر این واقعیت است که حمایت بی دریغ دولتهای امپریالیستی همواره شامل حال اینگونه "پناهندگان" می شده و می شود . هواداران سچفخادروین فعالانه در این تظاهرات در روز ۴/۷/۸۵ شرکت کردند .

۱۵ ژوئن یادآور روزی است که قلب پرشور و ملو از عشق شهرام در سیاهی شب و در دیاری دور ، در دفاع از خلقش با ضربان چاقو و قمه مزدوران فالانژ و خائنین اکثریتی از تیش بازایستاد و شهرام به شهادت رسید . خوانده شد .

در ضمن به همین مناسبت بیش از ۶۰۰ اعلامیه در شهرهای دهلی، بنگلور بونا ، میسور ، مدرس ، کانپور، لودیانا، هوبلی و کوئمباتور در میان نیروها و شخصیتها و دانشجویان هندی توزیع خلق ایران بر سرمار اودر شهر علیگر شد .

به مناسبت سومین سالگرد شهادت فدایی خلق رفیق شهرام میرانی مراسمی از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر سرمار اودر شهر علیگر شد .



رفیق شهرام میرانی



کانادا

در طول این هفته هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تمامی شبها میز نشیبه داشته و اعلامیه هایی به زبانهای انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی در بین شرکت کنندگان در این سمینار پخش می کردند .

انجمن مونترال در طول این هفته سه مصاحبه رادیویی (به زبانهای انگلیسی و فرانسه) برگزار کرد که طی آنها موفق به افشای رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی شد . کشورهای شرکت کننده در این سمینار عبارت بودند از: هائیتی، برلاندکا ، پرو ، ایران ، شیلی، آرژانتین ، کلمبیا ، بولیوی ، السالوادور، دومینیک ، گواتمالا ، و اروگوئه . کلیه برنامه ها به سه زبان انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی ترجمه می شد .

مونترال - به مناسبت هفته جهانی گمشدگان و زندانیان سیاسی ، کمیته همبستگی با گمشدگان جهان سوم شعبه مونترال به مدت یک هفته سمیناری برگزار کرد .

در تاریخ ۲۸ مه ، " شب ایران " ، رفقای هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان تنهانیروی ایرانی دعوت شده و شرکت کننده در این برنامه ، ضمن برشمردن وضعیت زندانیان سیاسی اعدامها ، جنگ ارتجاعی، وضعیت زنان و ... مسایل و مشکلات ایران را تا حد زیادی برای شرکت کنندگان در جلسه روشن کردند . در این شب اسلایدهایی از مبارزات کردستان به نمایش گذاشته شد .

وضعیت نیروهای چپ در ترکیه

(بخش اول)

شعار دیگر: ناسیونالیسم، جمهوری خواهی، دید دنیوی، پوپولیسم، رئوس برنامه حزب RPP سوسیال دموکرات قرار گرفت.

علاوه بر برنامه ریزی صنعتی، دولت آتاتورک یک رشته رفرمهای اجتماعی را از بالا بر مردم ترکیه تحمیل کرد. از آنجمله می توان از تغییر تقویم ترکیه به تقویم اروپایی، استفاده از الفبای لاتین و غیرقانونی کردن لباس سنتی نام برد. این نوع رفرم از بالا که پایه گذار سنت "ژاکوبین" در جنبش ملی ترکیه بود تأثیرات درازمدت خود را بر مبارزات خلق ترك باقی گذاشت، سنتی که در آن مبارزه برای به دست آوردن قدرت و مبارزه برای پیشرفت اقتصادی مستقل و بی توجه به خواستها و توان کارگران و دهقانان برنامه ریزی می شد.

در آن مقطع تاریخی - اجتماعی در کشوری چون ترکیه کمونیستها مجبور بودند با بخشهای رادیکال بورژوازی دست به اتحادهایی علیه فئودالیسم بزنند، اما حزب کمونیست ترکیه به خاطر ضعف تئوریک و نداشتن تجربه کافی قادر نبود به مقوله پیچیده کمالیسم برخورد صحیحی کند. حزب کمونیست در مقابل برنامه های صنعتی و مدرنیزه کردن آتاتورک، در برابر ملی گرایی و جمهوری خواهی او سردرگم مانده بود. حزب کمونیست با تأکید به معرفی جنبش کمالیست به عنوان "نیروی خرد بورژوازی که می تواند جهت گیری رادیکال پیدا کند" از ارائه تحلیل درستی از ماهیت رژیم آتاتورک عاجز ماند. رژیمی که با برنامه ریزی دولتی انباشت اولیه سرمایه شرایط کلی به قدرت رسیدن بورژوازی مونوپولیست را فراهم می کرد.

طبیعی است که در دوره حکومت آتاتورک، ترکیه شاهد تغییرات چشمگیر اقتصادی، صنعتی بود. گرچه دیکتاتوری در شکل گیری این پروسه صنعتی کردن نقش تعیین کننده ای داشت اما از نظر اجتماعی، این تحولات تأثیرات مهم و درازمدتی بر زندگی توده های ترك باقی گذاشت.

در ۲ دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ حزب کمونیست ترکیه از صحنه سیاسی عقب نشینی کرد و تاریخچه ای از فعالیت آن موجود نیست. در این دوره تنها می توان از عضویت ناظم حکمت شاعر مشهور ترکیه در حزب کمونیست یاد کرد.

جنبش کارگری در این دوران از پتانسیل چندانی برخوردار نبود و کوچکترین حرکتی با سرکوب شدید از طرف دولت مواجه می شد.

از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۰ کمونیستهای ترك تحت شدیدترین پیگردهای پلیسی، شکنجه و زندانهای طولانی مدت قرار داشتند. در این شرایط حزب کمونیست ترکیه بارها با پراکندگی روبرو شد، چنانکه برای مدت طولانی قادر به برگزاری کنگره نبود و آخرین کنگره این حزب در سال ۱۹۳۲ برگزار گردید.

از سال ۱۹۸۰ حکومت نظامی در ترکیه کلیه سازمانهای سیاسی چپ را غیرقانونی اعلام کرده، دهها هزارتن از فعالین و هواداران این سازمانها، از کارگران متشکل در اتحادیه ها و از مبارزین خلق کرد را در زندانهای خود به اسارت درآورده است.

علی رغم عقب افتادگی نسبی اقتصادی - اجتماعی، ترکیه از نظر سیاسی یکی از پیشرفته ترین کشورهای منطقه خاورمیانه است که خصوصاً در ۲ دهه بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، صحنه مبارزات طبقاتی حادی بوده است. در این دوره دخالت های مکرر ارتش در امور دولتی و فعالیت احزاب فاشیست نتوانست جلوی حرکت سازمانهای چپ را بگیرد. تجارب و دستاوردهای طبقه کارگر ترکیه در این ۲۰ سال پشتوانه ارزشمندی برای مبارزات خلقهای منطقه خواهد بود. از اینروست که با مروری بر تاریخچه فعالیت گروههای چپ و مبارزات طبقه کارگر سعی خواهیم کرد اوضاع سیاسی ترکیه را تا سال ۱۹۸۰ بررسی کنیم.

تولد حزب کمونیست ترکیه و به قدرت رسیدن آتاتورک

اولین حزب کمونیست ترکیه تحت رهبری مصطفی صبحی در ژوئن سال ۱۹۲۰ در شهر باکو در اتحاد جماهیر شوروی بنیان نهاده شد. تاسیس حزب همزمان با شکل گیری انقلاب بورژوازی به رهبری افسران جوان ارتش شکست خورده عثمانی بود.

اولین حرکت کمونیستها در پیوستن به جنگ آزادیبخش و شرکت در ایجاد دولت جدید با شکست مواجه شد زیرا تمامی اعضای رهبری حزب بلافاصله پس از ورود به ترکیه در ژانویه ۱۹۲۱ در شهر تراپزون توسط کمالیستها کشته شدند.

در طی همین دوره، مصطفی کمال (رهبر مجلس ملی در آنکارا و فرمانده ارتش) مشغول قلع و قمع نیروهای چریکی دهقانی بود که مستقل از دولت شکل گرفته و مانعی بر سر راه تشکیل یک جمهوری بورژوازی بودند. این نیروهای دهقانی که به "ارتش سبز" مشهور بودند تحت رهبری التم (Eltem) با اشغالگران یونانی و متحدین فئودال آنها مبارزه می کردند. کمال آتاتورک پس از تقویت موقعیت خود در ارتش دستور آزمین بردن این جنبش دهقانی را داد. بعد از تاسیس جمهوری در سال ۱۹۲۳ کمونیستهای ترکیه متشکل از بقایای حزب، کسانیکه در اواخر جنگ در آلمان کمونیست شده بودند، عده کمی از کادرهای باقی مانده از جنگ رهایی بخش، محافل چپ آنکارا و کمونیستهای استانبول که روابطی با جنبش کارگری آن شهر داشتند، کنگره دوم خود را برگزار کرده به بازسازی حزب پرداختند.

آنچه در ترکیه به آن "انقلاب آتاتورک" می گویند همراه چند

ورشکسته پارلمانتاریسم نشان داد. در ادامه چنین برنامه‌ای، TIP که پایگاه خود را در بین طبقه کارگر از دست داده بود، بیش از پیش به ورطه سیاستهای پوپولیستی که هدفی جز جذب دهقانان و خرده‌بورژوازی نداشت کشانده شد.

ناظم حکمت -

شاعر انقلابی ترک



یکی دیگر از جریانهای سیاسی که در اوایل این دهه شروع به فعالیت کرد YON بود که نشریه‌ای به همین اسم منتشر می‌کرد. این جریان به وسیله عده‌ای روشنفکر متمایل به چپ که خود را نئوکمالیست می‌دانستند بنیان نهاده شد و برطبق اساسنامه‌ای که در اولین شماره نشریه خود به چاپ رسانید خواستار ادامه توسعه سریع اقتصادی به‌عنوان ادامه برنامه "انقلابی" آتاتورک بود. این جریان دیدگاه ناسیونالیستی خود را آلترناتیو سومی در برابر سرمایه‌داری و کمونیسم معرفی می‌کرد. استراتژی YON را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

انقلاب دموکراتیک ملی که طی آن تکنوکراتها و افسران به نمایندگی از طرف کارگران و دهقانان، ترکیه را به‌سوی استقلال رهبری می‌کنند.

YON بر محافل دانشجویی و روشنفکر متمایل به مارکسیسم، جناح چپ حزب جمهوری خلق (که آتاتورک آنرا پایه گذاری کرده بود) و نیروهای سیاسی درون ارتش تاثیر زیادی گذاشت و توانست در مدت کوتاهی تیراژ نشریه خود را به ۳۰۰۰۰ نسخه برساند. که این خود نشان‌دهنده نفوذ ایدئولوژی کمالیست در آن دوران بود.

مبارزات کارگری در دهه ۶۰

جنبش کارگری در این دوران مستقل از سازمانهای سیاسی در حال گسترش بود و روزه‌روز به تعداد کارگران اتحادیه‌های صنفی افزوده می‌شد، چنانکه تعداد اعضای این سندیکاها از ۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۳ به یک میلیون در سال ۱۹۶۸ رسید، البته نیروی کار خیلی بیش از اینها بود اما بخش وسیعی از طبقه کارگر شهری، کارگران صنایع کوچک و تمامی پرولتاریای ده امکان عضویت در اتحادیه‌ها را نداشتند.

در طول جنگ جهانی دوم دولت ترکیه همسویی‌هایی با نازیسم همیلتلر نشان داده بود ولی پس از جنگ، چشم انداز کم‌های مالی آمریکا، حکومت ترکیه را واداشت که هرچه بیشتر به طرف ایالات متحده چرخش پیدا کند. ایننو که پس از آتاتورک به قدرت رسیده بود برای خوشروقتی در برابر اربابان جدید در سال ۱۹۴۶ تشکیل یک دموکراسی چند حزبی را اعلام کرد، غافل از اینکه واشنگتن نگران از اوضاع خاورمیانه، به دنبال دیکتاتوریهایی محکم در منطقه است. در انتخابات سال ۱۹۵۰ مردم ترکیه که از فشارهای بوروکراتیک دولت کمالیست به تنگ آمده بودند به حزب دموکراتیک به رهبری مندرپرس رای داده آنرا به قدرت رساندند. اما حاکمیت جدید که تمایل به نزدیکی بیشتر به امپریالیسم داشت، خود تبدیل به دولت مطلقه‌ای شد که فساد و رشوه‌خواری بر بخشهای مختلف آن مستولی بود. بالاخره در سال ۱۹۶۰ کودتای نظامی به رهبری ژنرال Gurses باعث تغییر حکومت شد. قانون اساسی جدید ترکیه بر رعایت حقوق و آزادیهای فردی و آزادی مطبوعات تاکید داشت و در حقیقت انتخابات سال ۱۹۵۰ که واقعه‌ای دموکراتیک بود منجر به به قدرت رسیدن یک حکومت مطلقه شد و کودتای سال ۱۹۶۰ که واقعه‌ای کاملاً غیردموکراتیک بود باعث رفرمهای لیبرالی شد. متأسفانه این تناقض تاریخی تاثیر سوء در بخشی از جنبش چپ ترکیه باقی گذاشت و تمایل به تغییر حکومت از بالا، بدون شرکت توده‌ها را تقویت کرد.

تا سال ۱۹۶۰ از حزب کمونیست ترکیه تنها گروه‌هایی از اعضای قدیمی، یک ایستگاه رادیویی و دفتری در اروپای شرقی باقی مانده بود. ولی کودتای سال ۶۰ سرآغاز یک دوره ۴۰ ساله از مبارزات طبقاتی بود که قشر وسیعی از توده‌ها را دربر گرفته، باعث شکل‌گیری سازمانهای سیاسی جدیدی شد. دو سازمان عمده متمایل به چپ که در اوایل دهه ۶۰ شروع به فعالیت کردند TIP (حزب کارگران ترکیه) و YON (راهنما) بودند. بنیانگذاران TIP از اعضای چپ‌گرای اتحادیه صنفی TURK-IS* و روشنفکران چپ بودند که تجربه سیاسی قابل توجهی نداشتند. اما با اینکه نتوانستند در عرض مدتی کوتاه حزب را به عنوان یک جریان سراسری سازماندهی کنند. در انتخابات سال ۱۹۶۵، حزب کارگران ترکیه موفق شد ۳٪ آرا را به دست آورد. شعار اصلی حزب عبارت بود از زمین برای دهقان - کار برای همه. حزب علی‌رغم پوپولیسم خود قادر شده که با ارتباط دادن مقوله‌های سوسیالیستی با خواستها و مسایل روزمره توده‌ها هواداران بسیاری پیدا کند. در مناطق روستایی حزب هوادارانی

در بین کردها و اقلیت مذهبی علوی به دست آورد. رهبران حزب کارگران ترکیه که پا به دست آوردن ۱۵ کرسی در پارلمان به‌وجود آمده بودند، اطمینان داشتند که در انتخابات بعدی، حزب به‌عنوان یک سازمان سیاسی - کارگری به‌نیروی قدرتمندی در پارلمان مبدل خواهد شد. بی‌تجربگی سیاسی طبقه کارگر جوان ترکیه و ضعف ثئوریک رهبران TIP تبلور خود را در ادامه سیاست

* TURK-IS سندیکای زرد کارگری ترکیه بود که توسط انستیتو آمریکایی توسعه آزاد کار AFILD تشکیل شده بود.

در ترکیه، نیروهای پیرو این خط و سایر سازمانهای سیاسی چپ به شکل طبقه کارگر و سازماندهی مبارزات آن توجه کافی نداشتند. اما ترکیه که در ۵۰ سال گذشته جنگی به خود ندیده بود و در ۵ تا ۱۰ سال گذشته "مبارزه‌ای" مسالمت آمیز را تجربه می‌کرد و از فقدان یک سازمان سیاسی قدرتمند رنج می‌برد، مبارزه مسلحانه هرچند محدود تاثیر عمیقی به ویژه در سالهای ۱۹۷۰ به بعد بر نسل جوان آن به جای گذاشت. اختناق بعد از کودتای نظامی ۱۲ مارس ۱۹۷۱ برای چپ ترکیه مرحله تعیین کننده‌ای بود. دوران قانونگرایی سالهای ۷۱-۶۱ سیری شد. فعالیت سازمانهای توده‌ای متوقف و تمامی سازمانهای چپ غیرقانونی اعلام شد. دستگیریهایی جمعی، شکار انقلابیون و ییکردعای پلیسی، کادرهای انقلابی جوان را با واقعیات جدیدی روبرو کرد. پس از سرکوب فعالیت‌های مسلحانه، رکودی بر جنبش انقلابی مستولی گردید و تعداد بیشتری از فعالین سیاسی تا عفو سال ۱۹۷۴ زندانی شدند. یکی از نکات مثبت کودتا پایان بخشیدن به توهمات کمالیستی در بین مبارزان چپ و کسب آگاهی انقلابی در دهه ۷۰ بود.



اعتصاب کارگران معدن یینی چلیک در ترکیه - ۱۹۷۵

در این دوره سازمانهایی چون YON و MDD که در دهه‌های قبل ارتش را به عنوان یک نیروی انقلابی معرفی کرده بودند با نقش سرکوبگر و ارتجاعی این ارکان روبرو شدند. برخوردی که برای عده‌ای باعث ناامیدی و برای عده‌ای دیگر یک درس انقلابی بود.

تحولاتی که در طی این چند ماه رخ داد، ثابت کرد که کمالیسم عیج محتوای انقلابی ندارد. چپ ترکیه آموخت که روشهای رفرمیستی با اهداف انقلابی سازگار نیستند و در نتیجه افسانه پتانسیل انقلابی کمالیسم "اقتدار روشنفکر نظامی و غیرنظامی" برای عمیسه از ذهن کادرهای سوسیالیست محو شد.

در فاصله سالهای ۶۸ - ۶۳ طبق آمار رسمی ۳۲ اعتصاب قانونی که ۴۰۰۰۰۰ کارگر در آنها شرکت داشتند به وقوع پیوست و بر طبق آمار غیررسمی ۷۰۰۰۰۰ کارگر دیگر در ۳۸ اعتصاب غیر قانونی شرکت جستند. البته همانطور که گفته شد هیچ جریان سوسیالیستی نقش فعالی در این مبارزات نداشت. اگرچه DISK (دومین اتحادیه صنفی) به رهبری کارگرانی که در آن زمان عضو TIP بودند تاسیس شد، اما نقطه عطفی در پیوستن سوسیالیستها به جنبش کارگری به شمار نمی‌رفت.

DISK که در طول سالهای ۶۷-۸۰ مهمترین اتحادیه صنفی جنبش کارگری ترکیه بود، آلتزنتاتیوی در مقابل اتحادیه زرد TURK-IS به شمار می‌رفت. TURK-IS بیشتر در کارخانه‌های وابسته به دولت نفوذ داشت. کارگران این بخش که در معدن، صنایع ذوب فلزات و تاسیسات ساختمانی دولتی کار می‌کردند و تعدادشان بالغ بر صدها هزار نفر می‌شد شرکتی در مبارزات دهه ۶۰ نداشتند و تنها از اواسط دهه ۷۰ نقش فعالی در مبارزات کارگری ایفا کردند. از طرف دیگر DISK در کارخانه‌های خصوصی تولید کننده محصولات جدید تکنولوژی فعال بود و در مراکز بزرگ صنعتی مثل استانبول، ایزمیت و ازمیر یعنی در قسمت اروپایی ترکیه از نیروی بیشتری برخوردار بود. رشد سریع جنبش کارگری مصادف با شکل گیری جریانهای جدید سیاسی شد. از این جریانها یکی جنبش جوانان سوسیالیست دهه ۶۰ و دیگری MDD (انقلاب دموکراتیک ملی) بود. در اواخر سال ۱۹۶۷ مجله سفنگی به نام TURK - SDLU (چپ ترکیه) به وسیله عده‌ای از کادرهای قدیمی حزب کمونیست ترکیه منتشر شد که خود را صدای عمه نیروهای ملی - دموکراتیک ترکیه از یرولتاریا گرفته تا بورژوازی ملی می‌خواند. بافت کمالیست این جریان اعتقاد داشت که رهبری انقلاب را "روشنفکران نظامی و غیرنظامی" به عهده خواهند داشت.

این دوره مصادف بود با اولین حرکات جنبش دانشجویی - اشغال دانشگاهها و حرکات قهرآمیز ضد آمریکایی TIP که بیش از پیش فعالیت‌های خود را محدود به چارچوب پارلمانی کرده بود، جوانان را از حرکات قهرآمیز برحذر می‌داشت و آنان را از خطر فاشیسم می‌عرسانید. در عوض MDD جوانان را به چنین حرکاتی تشویق می‌کرد. در برابر "قانونگرایی" TIP، MDD نماینده نوعی "انقلابی‌گری" بود، اگرچه نمی‌توان این انقلابی‌گری را یرولتزری ارزیابی کرد. در این مقطع بود که بلی BELLİ (از اعضا قدیمی حزب کمونیست ترکیه) سازمان DEV - GENÇ متشکل از چند هزار جوان فعال سوسیالیست را پایه‌گذاری کرد. فعالیت‌های این سازمان به صحن دانشگاه ختم نمی‌شد بلکه شامل مبارزات مسلحانه علیه نیروی نظامی آمریکا، فعالیت در مناطق روستایی، حمایت از اعتصابهای کارگری، مبارزه علیه تهاجمات فاشیسم و ... بود. این پیروسه در اواخر دهه ۶۰ شروع شد و زمینه‌ای برای تولد جنبش مسلحانه به شمار می‌رفت. در فاصله بین سالهای ۷۰-۶۸ DEV - GENÇ با دامن زدن به بحث‌های تئوریک و شرکت در مبارزه طبقاتی، جوانان رادیکال را در صفوف مقدم جنبش قرار داد. به طور کلی در آغاز تولد جنبش مسلحانه

انتقال حکومت در سال ۱۹۷۴ و پیامدهای آن

دادگاههای امنیتی سازماندهی شد و تظاهرات غیر قانونی اول ماه مه با شرکت صدها هزار نفر برای اولین بار پس از ۵۰ سال در استانبول برگزار گردید.

حضور فعال دانشجویان در صحنه سیاسی همراه با مبارزه شدید علیه فاشیسم ادامه یافت. کارمندان دولت که حق تشکیل اتحادیه از آنها سلب شده بود دست به تشکیل سازمانهای توده‌ای چندصدهزار نفری زدند، همچنین معلمان مترقی در یکی از بزرگ‌ترین و فعالترین سازمانهای توده‌ای متشکل شده بودند. همزمان با روی کار آمدن دولت جدید RPP در سال ۱۹۷۸، در حدود یک میلیون کارگر، کارمندان دولت، زحمتکشان و دانشجویان در سازمانهای توده‌ای زیر نظر احزاب و جریانهای سوسیالیست فعالیت می‌کردند. شمار اعضا و هواداران این سازمانها به صدها هزار نفر می‌رسید.

سازمانهای سیاسی ترکیه در دهه ۷۰

سازمانهای سیاسی ترکیه در دهه ۷۰ را می‌توان به سه دسته مشخص تقسیم نمود:

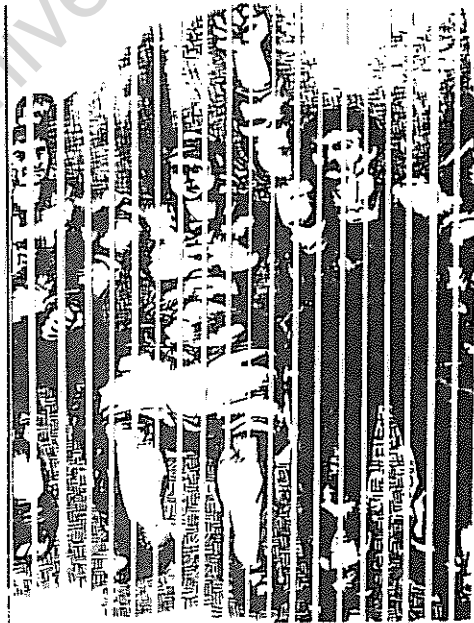
نیروه‌های خط ۱

اوج رشد این خط در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷ مصادف با دلسردی چپ ترکیه از راست‌رویهای حزب کمونیست چین بود. این عکس‌العمل علیه سیاستهای پکن به حزب کمونیست ترکیه اجازه داد که برای اولین بار در تاریخ حزب نیروی قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. البته احزاب دیگری نیز مانند (TIP) حزب کارگران ترکیه و (TSIP) حزب کارگران سوسیالیست ترکیه در این خط قرار داشتند.

در سال ۱۹۷۵، حزب کمونیست، با نفوذ در پستهای مهم اتحادیه کارگری DISK توازن بین نیروهای سیاسی ترکیه را برهم زد. از ابتدای تاسیس، DISK در کمربند صنعتی مرمره - استانبول فعال بود اما در اواسط دهه ۷۰ با رشد سریع اقتصادی در منطقه آناتولی موفق شد بر نفوذ سراسری خود بیافزاید و حتی در بخش کارخانه‌های دولتی (که قبلاً مرکز فعالیت اتحادیه راست IS - TURK بودند) نیروی وسیعی به آن پیوستند. اما حزب کمونیست ترکیه در مقام رهبری این اتحادیه با سازماندهی حول شعار " صلح و پیشرفت اجتماعی " ماهیت رفرمیست و سازشکار خود را به خوبی نشان داد. این حزب که تنها به حفظ قدرت خود در اتحادیه DISK اهمیت می‌داد، در موارد بسیاری سدی در برابر رادیکالیسم کارگران جوان بود. در نتیجه انحرافات رهبری حزب کمونیست، DISK نتوانست در مبارزات تعیین‌کننده کارخانه فولاد در منطقه آناتولی پیروز شود. در عوض سازماندهی و آموزش سیاسی کارگران، رهبران اتحادیه در این منطقه به دنبال کسب محبوبیت از طریق تاسیس سوپر مارکت ... بودند! در نتیجه ضعف و عدم آمادگی کارگران در این مجموعه صنعتی مجبور به عقب‌نشینی در برابر سندیگاهای فاشیستی شدند. رویهم‌رفته، حزب کمونیست ترکیه در عوض بسط دادن نفوذ سیاسی DISK، از انواع

در سال ۱۹۷۸ انتقال حکومت به احزاب سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی سوسیال دموکراتها (RPP) با مسلمانان افراطی NSP (حزب رستگاری ملی) منجر به عفو اکثر زندانیان سیاسی، احیای انتشارات چپ و رشد سریع اتحادیه‌های کارگری شد. اما دیری نپایید که با حمله ارتش ترکیه به قبرس و اشغال خاک این کشور، بار دیگر با اعلام حکومت نظامی تمام اعتصابات ممنوع اعلام شد. موج عظیمی از شوونیسم تمام جامعه را در بر گرفت تا حدی که تمامی اتحادیه‌های کارگری (از جمله DISK) همصدا با سندیگای کارفرمایان، نه تنها حمله را تایید کردند بلکه به حمایت از ارتش دست زدند.

تشکیل دولت جبهه ملی در مه سال ۱۹۷۵ با حضور حزب فاشیست باعث گسترش ترور و رشد گروههای مسلح فاشیست شد. جنبش کارگری در چنین موقعیتی سیر صعودی خود را می‌پیمود و در سال



۱۹۷۷ به اوج خود رسید. جنبش کارگری در این مرحله جدید شاعر رشد آگاهی طبفه کارگر در مقیاس سراسری بود، موقعیتی که در دهه ۶۰ تنها در چند مرکز صنعتی دیده شده بود. تنها در برخی مراکز صنعتی نو مانند معادن دغال سنک شمال غرب ترکیه اتحادیه‌های کارگری موفق به جلب و سازماندهی کارگران نشدند. در سال ۱۹۷۴ علی‌رغم حکومت نظامی و ایجاد موانع مختلف علیه اعتصاب تعداد کارگران اعتصابی بیش از ۸۰ هزار نفر بود. در سال ۱۹۷۶، بیش از دویست اعتصاب رسمی و غیر رسمی و یک اعتصاب سراسری صدهزار نفری کارگران متشکل در DISK علیه تشکیل

مانورهای بوروکراتیک استفاده کرد تا مانع قدرت‌گیری سازمانهای چپ انقلابی در این اتحادیه شود و تا بدانجا پیش رفت که برای ایجاد مانع در برابر پیوستن نیروهای چپ به اتحادیه، مانورهای راست متحد شد. اما نتیجه نهایی این اتحاد نامیمون، تضعیف موقعیت حزب کمونیست بود که در انتخابات سال ۱۹۷۸ "ترکر" رهبر DISK و سایر کادرهای حزبی، پستهای خود را در رهبری اتحادیه از دست داده و این پستها نصیب حزب سوسیال دموکرات شد.

چپ مستقل

در تقسیم‌بندی گروههای چپ ترکیه دومین گروه را سازمان سای مستقل چپ تشکیل می‌دهند که تاریخچه آنها به جنبش مسلحانه سالهای ۶۰ بر می‌گردد. در آغاز آنها تنها در بین دانشکدگانی و جوانان خرده بورژوا عوادارانی داشتند اما در مدت کوتاهی، عواداران بیشتری در سراسر ترکیه به دست آوردند.

ماهیر چایان ÇAYAN رهبر جنبش مسلحانه و گروه او از محبوبیت خاصی در بین دانشجویان و جوانان برخوردار بود. پس از اعلام غفو عمومی در سال ۱۹۷۴ عواداران چایان درگیر انشعابات و اختلافات زیادی شدند. کادرهای باتجربه‌تر در برابر حرکات ماجراجویانه چایان موضع‌گیری کردند، در حالی که عواداران و نیروهای جوانتر دنباله‌روی او آنتوریسم خط او بودند. پس از مدتی دو خط عمده سیاسی در این جریان شکل گرفت. آنهایی که به سیاستهای گذشته انتقاد داشتند جریان KURTULUS (آزادی) را بنیان نهادند. رهبران این جریان ادعا داشتند که به تنوری مارکسیستی اهمیت بیشتری خواهند داد. اما گروه وسیع‌تری که خود را ادامه دهنده راه THKP-C (مهم‌ترین جریان چریکی ترکیه) می‌دانستند، سازمان راه انقلابی Devrimçi Yol را تشکیل دادند. اگرچه این گروه در آغاز به عنوان ادامه‌دهنده خط چایان شناخته می‌شد اما در عرصه مبارزه طبقاتی به محدودیت‌های مبارزه مسلحانه واقف شد.

در نیمه دوم دهه ۷۰ این گروه یکی از مهمترین سازمانهای چپ ترکیه به شمار می‌رفت، در حالیکه KURTULUS بیش از پیش دچار دکماتیسیم شده، از زیراتیک مبارزه طبقاتی به دور افتاد. در این تاریخ نشریه دو هفته‌گی DEV - YOL بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نسخه به فروش می‌رفت. DEV - YOL سازماندهی وسیعی در شهرها و مناطق روستایی آناتولی داشت و قادر بود در مواقع لازم جمعیت بیشتری را بسیج کند، آنکونه که در تظاهرات اول ماه مه ۱۹۷۷ در میدان تکسیم استانبول نشان داد. دویول نقش مهمی در سازماندهی مقاومت مسلحانه علیه کاندوهای فاشیست ایفا کرد و به همین دلیل بیش از هر نیروی دیگری مورد حمله فاشیستها قرار گرفت. در بین سازمانهای چپ ترکیه دویول به حفظ روابط دموکراتیک درون سازمانی مشهور بود. در آغاز فعالیت دویول، عواداران پروپاقرص‌تر خط چایان از آن جدا شدند و سازمانی به نام DEV-SOL (چپ انقلابی) را بنیان نهادند. اینان به نقش "پیشاهنگ مسلح خلق" اهمیت خاصی می‌دادند و در اولین حرکت مسلحانه خود دست به اقدام انقلابی ERİM (اولین نخست وزیر ترکیه بعد از سال ۱۹۷۱) زدند. جریانهای دیگری نیز در طیف چپ مستقل قرار می‌گرفتند که

عواداران کمتری داشتند و بیشتر درگیر عملیات مسلحانه بودند. از جمله MLSB ارتش تبلیغ مسلحانه مارکسیست لنینیست و HDO پیشاهنگ انقلابی خلق. این گروههای کوچک تر علی‌رغم تعدادشان پیروزی چشم‌گیری در صحنه سیاسی بدست نیاوردند.



دستگیریهای دسته جمعی پلیس فاشیستی ترکیه

نیروهای خط ۳

مهم‌ترین گروه خط ۳ ترکیه گروه منشعب از سازمان جوانان دموکراتیک MDD به نام PDA (Prolter Devrimci Aydinlic) که با نشریه پرشیراژ AYDINLIC شناسایی می‌شود. این گروه که اعتقاد داشت فتووالیسم هنوز در جامعه ترکیه عمل می‌کند، در سال ۱۹۶۹ تشکیل شد و دنباله‌روی خط حزب کمونیست چین بود. جریان دیگر خط ۳ TKP-ML حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ترکیه بود که توده‌ها را به "جنگ خلقی" فرا می‌خواند، بدون آنکه مشخص کند این جنگ از چه طریقی شروع خواهد شد. این حزب که در بین دهقانان و در مناطق کردنشین عوادارانی داشت، به قساوت و خونریزی مشهور بود. گروه دیگر HK یا آزادی خلق نام داشت که پس از اتخاذ تئوری ۳ جهان توسط حزب کمونیست چین، دنباله‌روی خط حزب کمونیست آلبانی شد. البته جریان دیگری از خط ۳ ترکیه به نام TKP-ML-TIKO (حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ترکیه - ارتش رهایی‌بخش دهقانان) از ابتدا تئوری ۳ جهان را رد کرده بود.

در شماره آینده نشریه جهان پس از مرور بر موقعیت نیروهای چپ در کردستان ترکیه، زمیندهای کودتای سال ۸۰ و موقعیت کنونی نیروهای چپ را بررسی خواهیم کرد.

نظری بر تحولات اجتماعی-سیاسی

در انقلاب مشروطیت

بمناسبت ۱۴ مرداد، هشتادمین سالروز انقلاب مشروطیت

اعمیت تاریخی جنبش تنباکو در صفبندی نیروهای رعبری کننده و ریشه ملی-بورژوازی آن است. بلوک سیاسی ای که از اتحاد بین تجار، روشنفکران و روحانیون تشکیل شده بود به دنبال موفقیت جنبش تنباکو با انسجام بیشتر، بیش از پیش، سمت و سوی بورژوا - ناسیونالیستی یافت. در این میان، قشر روشنفکر، چون عامل ایدئولوژیک طبقه پیشرو (بورژوازی)، در جهت گیری جنبش و ادایه آن نقش به سزایی داشت. افراد این قشر با اینکه به تدریج از ارتجاعی روحانیون کاملاً واقف بودند، به علت یافت سنتی جامعه شهری ایران، ضعف بورژوازی و غیاب طبقه کارگر صنعتی، و به منظور استفاده از قدرت توده‌های روحانیت، ناچار به جلب حمایت آنان از جنبش ضد استبدادی بودند.

علی‌رغم عقب‌نشینی دولت در مقابل جنبش و فسخ امتیاز، متعاقب این پیروزی، دگرگونی اساسی‌ای در شیوه حکومتی، موقعیت بورژوازی و امنیت سرمایه در مقابل دستگاه حاکمه بوجود نیامد. اما جنبش تنباکو آغازگر حرکت اجتماعی‌ای بود که طی ۱۶ سال مبارزه، سازماندهی و تکامل منجر به انقلاب مشروطیت شد. در طول این مدت، روشنفکران از طریق انجمن‌های مخفی، انتشار نشریات و ترجمه آثار اندیشه‌های سیاسی غرب، به ترویج فکر دموکراسی و طرح‌ریزی و هدایت مبارزات توده‌ای مبادرت ورزیدند، در حالی که تجار، چون نافعان اصلی جنبش، از یک سو و طیف غالب روحانیت، علی‌رغم تردیدهایش، از سوی دیگر، عاملین اصلی بسیج توده‌ای و بسط مبارزات ضد استبدادی بودند: حرکتی که با خواست تاسیس عدالتخانه و سیستم قانونی واحد آغاز شد و در روند تکامل خود به خواست تشکیل ارکان‌های بورژوا دموکراتیک - که متضمن حضور بورژوازی در امر تصمیم‌گیری دولتی بود - منتهی شد.

بالاخره، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (اوت ۱۹۰۶) انقلابیون دربار مظفرالدین شاه را مجبور به قبول حکومت مشروطه و تاسیس پارلمان کردند.

به دنبال تشکیل مجلس اول در اکتبر ۱۹۰۶ و آغاز بحث و تبادل نظر در زمینه‌های مسایل قانونگزاری، روشنفکران و تجار بودند که نقش عمده را در این مباحثات به عهده داشتند. از

رشد سرمایه‌داری در ایران از اواسط سده نوزدهم میلادی وارد مرحله‌ی جدیدی شد. نفوذ روزافزون سرمایه‌های خارجی در کشور و ادغام عرصه بیشتر اقتصاد کشور در بازار تجارت جهانی دوفاکتور اساسی در رشد و تکامل طبقه سرمایه‌دار در ایران بودند. در این دوره سرمایه‌های استعماری، در راستای تأمین و افزایش منافع خود، به گسترش شبکه‌های مهم زیربنایی از قبیل خطوط مواصلاتی و خطوط تلگراف، احداث بنادر و ایجاد سیستم اعتباری و مالی دست زدند. گسترش این شبکه‌ها عامل موثری در بهم پیوستگی بازار داخلی و افزایش حجم مبادلات کالایی بود، و از این رو، رشد سرمایه‌داری نوپای ایران را تسهیل می‌کرد. اما، از سوی دیگر، رقابت نابرابر سرمایه‌های استعماری و شرایط نامساعد سیاسی سد حرکت آزاد سرمایه‌های داخلی بودند. سرمایه‌های استعماری، که از حمایت فعال دولت‌های مطبوع خود برخوردار بودند، امتیازات مهمی را در زمینه‌های پر منفعت، همچون استخراج معادن، احداث صنایع و امور نوزیج، به خود اختصاص می‌دادند. در مقابل، سرمایه‌داران ایرانی نه تنها هیچگونه حمایتی از دولت مطلقه قاجار دریافت نمی‌کردند، بلکه دائماً آماج تعدی‌های دستگاه حکومتی و وابستگان آن نیز بودند. جمع‌آوری بی‌رویه مالیات، حقوق گمرکی و عوارض راه، اخذ باج‌های خرد و کلان تحت عناوین گوناگون به وسیله‌ی وابستگان دربار قاجار و خان‌های محلی باعث نارضایتی شدید تجار و پیشه‌وران بود. دستگاه پوسیده و فاسد دولتی، که بقای خود را مدیون دو قدرت روس و انگلیس بود، به هیچ روی حاضر نبود با اتخاذ سیاست‌های ملی، حمایت این دو کشور را از دست بدهد.

جنبش تنباکو در سال ۱۲۸۹ اولین مخالفت جدی علیه حکومت قاجار بود. این جنبش، که اغلب تاریخ‌نگاران آن را مقدمه‌ی انقلاب مشروطیت دانسته‌اند، اولین حرکت ضدحکومتی به وسیله‌ی افسار شهرنشین محسوب می‌شود که تجار به خصوص در آن نقش عمده‌ای داشته‌اند. ابعاد این مخالفت و گسترش آن در کلیه مراکز شهری کشور چنان بود که دربار ناصرالدین شاه را مجبور به فسخ فوری امتیاز انحصار تولید و پخش تنباکو به کمپانی تالبوت انگلیسی کرد.

دولتی باید تنها با اخذ رای اعتماد از مجلس تشکیل شود و کلیه تصمیم‌گیری‌ها تنها با تصویب مجلس می‌تواند جنبه قانونی بگیرد. در مقابل این نظریات، جناح محافظه‌کار بر این عقیده بود که تشکیل کابینه و انتخاب نخست وزیر کماکان باید از اختیارات تام مقام سلطنت باشد.

در این میان محمد علی شاه، وابستگان قاجار، خان‌ها و زمینداران، که از ابتدا دشمن مشروطه‌خواهی و جنبش آزادیخواهانه بودند با حمایت دول امپریالیستی به‌خصوص

مجموع ۱۶۱ نماینده انتخابی در این مجلس، ۴۷ نفر از روحانیون، ۲۸ نفر از تجار، ۴۹ نفر از اصناف و ۳۶ نفر از اعیان و اشراف بودند؛ و اغلب روشنفکران نیز در دسته آخر گروه‌بندی می‌شدند. بدین ترتیب، بازاریان اعم از تجار و اصناف، گروه غالب درون مجلس را تشکیل می‌دادند. پیروزی کوتاه مدت انقلاب مشروطیت در این دوره اثرات ژرفی بر جامعه‌ی شهری ایران داشت. تعداد نشریات و کتاب‌هایی که به‌مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه می‌پرداختند مرتب افزایش می‌یافت. انجمن‌های سیاسی در میان



نمایندگان تهران در اولین مجلس شورای ملی، جلوی ساختمان بهارستان، تعدادی از شخصیت‌های نامی مجلس اول در این عکس مشاهده می‌شوند، از جمله حاجی تقی بنکدار (ردیف پایین نفر سوم از دست راست) و امین الضرب (ردیف وسط نفر ششم از دست راست)

دولت تزاری، سخت در تکاپوی توطئه‌چینی علیه مجلس بودند. مخالفت‌ها و تردیدهای بخش‌هایی از دستگاه روحانیت در مقابل مشروطه‌خواهان، زمینه لازم را برای هجوم ضدانقلاب فراهم آورد. شیخ فضل الله نوری، یکی از روحانیون متنفذ که خود در ابتدا داعیه‌ی مشروطه‌طلبی داشت، چون مهره اصلی محمد علی شاه در تبلیغ علیه نیروهای انقلابی و تحمیق توده‌ها، رهبری جناح ضد مشروطه‌ی روحانیت را به‌عهده گرفت. طرفداران شیخ فضل الله، با حمایت نیروهای دولتی و خان‌های محلی، در مساجد ضدیت اسلام و مشروطه‌طلبی را تبلیغ می‌کردند و مردم را به‌جهاد علیه انقلابیون فرا می‌خواندند. حمله به دفترهای مطبوعات مشروطه خواه و برگزاری تظاهرات و مراسم سینه‌زنی علیه مجلس و قانون اساسی را این مراکز رهبری می‌کردند.

به‌دنبال این زمین‌چینی‌ها، بالاخره، در دوم تیر ماه ۱۲۸۶ شمسی (ژوئن ۱۹۰۷)، یعنی یک سال بعد از اعلام مشروطیت، محمد علی شاه دستور حمله به مجلس را داد. بریکاد قزاق، تحت رهبری سرهنگ لیاخوف روسی، ساختمان مجلس را به‌توپ بست و عده‌ی زیادی از رهبران جنبش را دستگیر و تیرباران کرد. جناح محافظه‌کار مجلس عملاً مانع بسیج نیروهای انقلابی و توده‌های شهری در دفاع از مجلس شد و، از این رو، مقاومت انجمن‌ها

اقتدار متفاوت جامعه به‌ترویج افکار شرقی‌خواهانه و لزوم رعایی از چنگال دو قدرت امپریالیستی روس و انگلیس می‌پرداختند. اعمیت بنیادگذاری اقتصادی "خود - استوار" بر اساس سرمایه‌ی ملی و پدید آوردن قدرت حاکمه‌ی ملی در همه جا تاکید می‌شد. روشنفکران، در بررسی علل عقب‌ماندگی ایران، علناً به عامل مذمب، چون مانعی مهم بر سر راه پیشرفت اجتماعی، برخورد می‌کردند. گسترش سیستم آموزشی غیرمذهبی و تاسیس مدارس مخصوص زنان از طریق انجمن‌های سیاسی تبلیغ می‌شد. زنان، برای اولین بار، انجمن‌های ویژه خود را بنیاد گذاشتند که در آنها مسایل سیاسی و موقعیت زنان مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت.

مجموعه‌ی این تحولات و رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش مشروطیت رفته رفته بخش قابل توجهی از روحانیت را به‌هراس انداخت. بسیاری از "علماء" مشروطه‌خواهان را متهم به ارتداد می‌کردند و برخی دیگر خواهان طرد عناصر بی‌دین از میان آنان بودند.

شدت اختلافات درون مجلس نیز با آغاز بحث بر روی قوانین اساسی و حدود اختیارات مجلس به اوج خود رسید. روشنفکران و برخی از تجار تاکید داشتند که کابینه‌ی وزرای

و مردم بهزودی درغم شکست محمد علی شاه مجلس را تعطیل اعلام کرد و زمام کلیه امور را در دست گرفت.

گذشته از مباحثات طلبی‌های جناح روحانی و سازشکار درون مجلس، عامل مهم دیگری که سرکوب جنبش را عملی ساخت ضعف بنیادی بورژوازی تجاری ایران بود. این حقیقت که انقلاب مشروطیت، چون پدیده‌ای شهری آغاز شد و باقی ماند، ضعیفی بود که سرکوب آن را تسهیل کرد. بورژوازی تجاری، به‌علت برخوردار بودن خود این طبقه از منافع زمینداری بزرگ، از حمله

شدن این نیروها به پهنه مبارزه علیه استبداد دولتی را نه در مشروطه طلبی آنها، بلکه در مخالفت عشیره‌ای‌شان با ایل قاجار و امکان دستیابی به حکومت دولتی باید جستجو کرد.

بدین ترتیب بود که پس از سرنگونی محمد علی شاه، مجلس دوم تاسیس و شیوه حکومت مشروطه در شکل ابقا شد. اما در محتوا و شور انقلابی، دور دوم مجلس تفاوت‌های بسیاری با دور اول آن داشت. این بار، موقعیت بورژوازی درون مجلس تضعیف شده و تنها عده‌ی قلیلی از بازاریان و نمایندگان



عکس عده‌ای از انقلابیون و اعضای انجمن‌های سیاسی تبریز را در سال ۱۲۸۶ نشان می‌دهد. در ردیف اول آقا کریم اسکندانی (نفر دوم از سمت راست) و علی‌مسیو (بشر چهارم) دیده می‌شوند.

اصناف به مجلس راه یافته بودند. در مقابل، تعداد نمایندگان روحانیت افزون شده و، علاوه بر آنها بسیاری از خان‌ها، عوامل فنودال‌های بزرگ و کارمندان بخش دولتی به مجلس راه یافته بودند. یکی از تحولات قابل توجه و مثبت این دوره تاسیس اولین احزاب پارلمانی در ایران بود. نمایندگان مجلس در دو حزب "اعتدالیون عامیون" و "دموکرات" گروه‌بندی شدند. حزب دموکرات، که برخی از عناصر انقلابی اولین جریان سوسیال دموکرات ایران یعنی حزب "اجتماعیون عامیون" - که قبلاً بین کارگران مهاجر ایرانی در باکو تشکیل شده بود - را شامل می‌شد، جناح اقلیت مجلس را تشکیل می‌داد. این حزب همچنین نماینده ناسیونالیسم مبارز بود. از آن سو، فرقه اعتدالیون، که ضمناً دو برابر فرقه دموکرات نماینده در مجلس داشت، اغلب از اشراف، روحانیون و دیگر عوامل فنودال‌ها تشکیل می‌شد.

علی‌رغم مجامعات نمایندگان فرقه دموکرات و سعی آنها در پیشبرد و تصویب سیاست‌های رفرمیستی، مجلس دوم چون ارگانی بورژوا - دموکراتیک، نهادی ضعیف و ناتوان باقی ماند و همچون گذشته نتوانست پیوند ایدئولوژیک گسترده‌ای

به ریشه‌های فنودالیسم طفره می‌رفت؛ و از همین رو بود که در جلب حمایت دمقانان، چون وسیع‌ترین نیروی طبقه‌ی زحمتکش، در دفاع از انقلاب شکست خورد.

بهرحال، علی‌رغم پیروزی مهم استبداد در تهران، جنبش در برخی از شهرستان‌ها موفق به مقاومت شد. از این میان، مقاومت مسلحانه نیروهای انقلابی در تبریز و بعداً در اصفهان و رشت این مراکز را به دژ انقلاب تبدیل ساخت؛ و بالاخره از این سه نقطه بود که بعد از دو سال مبارزات قهرمانانه و گسترش جنگ داخلی، پیشروی به سوی پایتخت آغاز شد و به سرنگونی محمد علی شاه انجامید.

اما جنگ داخلی عواقب وخیمی نیز برای جنبش آزادیخواهی در بر داشت که مهم‌ترین آنها درگیری برخی نیروهای جدید در این مبارزات بود. عمده‌ترین این نیروها دار و دسته‌ی سپهدار، فنودال بزرگ کیلانی، و ایلاتی‌های بختیاری تحت فرماندهی خان‌های فارس بودند. این نیروها، به‌وضوح، نه از خصوصیت‌های ایدئولوژیک و خلقی نیروهای اولیه‌ی مشروطه طلب برخوردار بودند و نه از هدف‌ها و انگیزه‌های آنها. دلیل اصلی کشیده

زمین های مشمول صادره به عهده این نهادها است .

۴- طرح برنامه ی ارضی لنین

برای نابودی بقایای نظام سرواژ، که فشار طاقت فرسایی مستقیماً بر دهقانان وارد می کند، و برای تسهیل رشد آزاد مبارزه طبقاتی در روستا، حزب خواستار موارد زیر است :

- ۱ - صادره کلیه زمین های کلیساها، صومعه ها، خاندان سلطنتی، دولت و ملاکان؛
- ۲ - تشکیل کمیته های دهقانی به منظور نابودی فوری کلیه آثار قدرت و امتیازات ملاکان و در اختیار گرفتن عملی زمین های صادره شده، تا اینکه مجلس موسسان منتخب همه مردم نظام ارضی جدیدی را ایجاد کند؛
- ۳ - لغو کلیه مالیات ها و خدماتی که هم اکنون از دهقانان به عنوان یک طبقه مالیات پرداز اخذ می شود؛
- ۴ - لغو کلیه قوانینی که دهقانان را از استفاده از زمین شان محدود می کند؛

۵ - اختیار دادن به دادگاه های منتخب مردم برای کاهش اجاره های گزاف و لغو کلیه قراردادهایی که عناصری از امارت در بر دارند.

اما اگر پیروزی قطعی انقلاب کنونی در روسیه به حاکمیت کامل مردم بیانجامد، یعنی یک جمهوری و نظام دولتی کاملاً دموکراتیک تاسیس شود، حزب "لغو مالکیت خصوصی بر زمین و انتقال کلیه زمین ها به همه مردم به عنوان اموال اشتراکی را خواستار خواهد شد.

به علاوه، هدف حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در هر شرایطی و تحت هر وضعیت رفرف ارضی دموکراتیک به قرار زیر است: تلاش مداوم برای سازماندهی طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا؛ توضیح این مساله به پرولتاریای روستا که منافعش با منافع بورژوازی دهقانی به طور آشتی ناپذیری در تضاد است؛ هشدار به پرولتاریای روستا که دچار وسوسه مالکیت در مقیاس کوچک نشود، زیرا این نوع مالکیت نمی تواند تا موقعی که تولید کالایی وجود دارد، فقر موجود در میان توده ها را از بین ببرد؛ و بالاخره، با فشاری به ضرورت یک انقلاب سوسیالیستی کامل به عنوان تنها وسیله نابودی تمامی فقر و استثمار.

شق الف .

... حزب از کوشش دهقانان انقلابی برای لغو مالکیت خصوصی بر زمین پشتیبانی کرده و خواستار انتقال کلیه زمین ها به دولت است .
(منبع: مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۱۹۵ - ۱۹۴)



میرزا جهانگیرخان موراسرافیل، سردبیر روزنامه موراسرافیل، بعد از کودتای محمد علی شاه بدست نیروهای دولتی اعدام شد

بین خود و توده های وسیع خلق ایجاد کند.

عنوز دو سال از عمر مجلس جدید نگذشته بود که امپریالیسم روس بار دیگر شرایط تعطیل آن را فراهم آورد. بهانه، این بار، استخدام یک عیاتب حسابرسی آمریکایی برای سامان بخشیدن به امور مالی دولت و گمرکات به وسیله ی مجلس بود. ارتش تزاری شهرهای شمالی را به تصرف درآورده، خواستار اخراج عیاتب آمریکایی و پرداخت غرامت به دولت روسیه بودند. امتناع مجلس در مقابل این مداخلات کودتای دیگری را باعث شد که این بار به وسیله ی سران ایل بختیاری یعنی به اصطلاح "منجیان" مشروطیت و عوامل روسیه صورت می گرفت. سران عشایر و فئودالها، ضمن تقویت روابط خود با قدرت های روس و انگلیس، مقامات مهم را در دولت بعد از کودتا به خود اختصاص دادند. این مرحله آغازگاه زوال جنبش مشروطه خواهی در ایران بود.

انقلاب مشروطیت، به گوهر، جنبشی ضد استبدادی - ضد استعماری بود. بر مبنای این سرشت بود که اتحاد نیروهای مقدم انقلاب عملی گشت. ایدئولوژی غالب بر جنبش، که عمدتاً ناشی از قشر روشنفکران بود، به شدت از تفکر لیبرالیسم اروپا متأثر بود. اما زمینه ی عینی برای انقلاب بورژوا - دموکراتیک، یعنی یک سرمایه داری پویا و طبقه کارگر، یا اصلاً وجود نداشت و یا در مراحل ابتدایی و ضعیف خود به سر می برد. بورژوازی تجاری نگران منافع زمیندارانه ی خود بود و قاطعیت نزم را در مبارزه اقتصادی علیه فئودالها نشان نمی داد و تنها در حیظه سیاسی سعی در محدودیت این طبقه داشت. از سوی دیگر، مداخله نیروهای خارجی سد عمده ای در مقابل پیشرفت و نفوذ ایدئولوژی بورژوا - ناسیونالیستی بود. رقابت های بین امپریالیسم انگلیس و روس، ضمن اینکه از غلبه کامل استعماری هر یک بر تمامی کشور جلوگیری کرد، باعث رشد سیستم حکومتی وابسته در ایران گردید.

دست آورد های فرهنگی مشروطیت، چه در پهنه سیاسی و چه در پهنه اجتماعی، احتمالاً از مهم ترین اثرات پایدار این جنبش بود. رشد فرهنگ سیاسی، که توده های شهری را به گفتگو و تحلیل از مباحث اقتصادی و اجتماعی کشاند، تعمیم فرهنگ و تجربه مبارزاتی، گسترش انجمن های سیاسی و احزاب، پیشرفت های زبان در ایجاد عویت واحد سیاسی و اقدام در راه احقاق حقوق خود، تحول در سیستم آموزشی کشور و ایجاد سیستم واحد قانونی - اینها همه از جمله دست آورد های مثبت جنبش مشروطیت بشمار می روند.

کنفرانس دهه

زن در نایروبی



نظریه اینک: رژیم جمهوری اسلامی با اعمال ارتجاعی ترین تبعیضها و وضع قوانین قرون وسطایی مانند قانون قصاص، مقام و ارزش زن را چون یک انسان کامل نفی کرده است؛ نظریه اینک:

رژیم جمهوری اسلامی با اجباری کردن حجاب اسلامی، با جدا کردن زنان از مردان در اماکن عمومی، با محدود کردن انتخاب رشته تحصیلی برای دختران، با از بین بردن اصل تحصیل اجباری و کم کردن تعداد آموزشگاههای حرفهای برای دختران و جز اینها محدودیت های جدیدی در کلیه جوانب زندگی زنان ایجاد کرده است؛ نظریه اینک:

رژیم جمهوری اسلامی کوشیده است تا با پایین آوردن سن قانونی ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال، دادن حق طلاق یک جانبه به مردان، قانونی کردن نظام چند عمرسی و صیغه، بستن مراکز نگهداری کودکان، بازنشستی اجباری یا اخراج زنان کارگر و کارمند، تشویق مالی (از قبیل افزایش حقوق) مردانی که زنانشان دست از کار می کشند و جز اینها زنان را در خانهها زندانی کند و مانع از حضور آنان در سر کار، در خیابانها، در رسانه های گروهی و مراکز هنری و ورزشی شود؛ نظریه اینک:

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب سازمان های سیاسی و دموکراتیک مانع از فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان شده است؛ و کلیه زنان بی چادر را قاضیه می خواند،

روبرو شد و ده ها نفر خواعان تماس گیری مجدد با کمیته می شدند و از غرغه عکس و فیلم می گرفتند.

مصاحبه هایی نیز از طرف خبرگزاری های مختلف، از جمله آسوشیتدپرس، رادیو آمریکا، زبان فارسی و انگلیسی، رادیو آلمان میچندین روزنامه دانمارکی و هلندی، نشریه مصری انجمن عمیستی زنان عرب " و ... صورت گرفت.

این رفقا همچنین قطعنامه ای به زبان انگلیسی در دفاع از حقوق دموکراتیک زنان ایران و محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی بین نمایندگان و شرکت کنندگان در کنفرانس پخش کردند که ترجمه بخشهایی از آن در زیر آمده است:

نظریه اینک: جمهوری اسلامی هیچیک از هدفهای دهمی زن سازمان ملل متحد را رعایت نکرده است و با غربی و غیراسلامی خواندن بیانیهای جهانی حقوق بشر و تعاریف سازمان ملل از برابری، توسعه و صلح آشکارا حقوق اجتماعی و دموکراتیک زنان و مردان را نفی می کند؛ نظریه اینک:

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها هیچ گامی

کنفرانس بین المللی سازمان ملل به مناسبت پایان دهه زن، از تاریخ ۱۵ تا ۲۵ ژوئیه در نایروبی، پایتخت کنیا، برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل، از جمله نمایندگان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شرکت داشتند و به بررسی موقعیت زنان در گشورهای مختلف پرداختند. همزمان با این کنفرانس، کنفرانس دیگری با شرکت گروهها و سازمانهای فیردولتی از تاریخ ۱۰ تا ۲۰ ژوئیه در عمان محل با شرکت بیش از ۱۰ هزار نفر تشکیل شد. این کنفرانس از اهمیت ویژه ای برخوردار و در نوع خود بی نظیر بود، زیرا نمایندگان اکثر سازمانهای شرکت کننده در اعتراض به موقعیت زنان در کشورهاشان به آفاکاری از نمایندگان رسمی کشورها فیرداخته، جو رادیکالی را بران حایم ساختند. از جمله تشکلهای شرکت کننده در این کنفرانس، نمایندگان "سواپو" (Swapo) جبهه آزادیبخش فلسطین، نیگارا گوتنه، شبلی السالوادور و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور بودند. نمایندگان سازمان های رغانی بخش طی سخنرانیهایی از لزوم تغییرات اجتماعی، نابودی تبعیض نژادی، اختناق و سرکوب برای بوجود آوردن زمینه لازم برای آزادی زن، صحبت کردند. بدین ترتیب برنامه های نمایندگان کشور های امپریالیستی برای جلوگیری از بحثهای سیاسی، خصوصا در رابطه با جنبشهای رهاایشخ، با شکست مواجه شد.

نمایندگان عقب افتاده رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که در غردو کنفرانس شرکت کرده بودند، تبلیغات خود را به مساله جنک و سرنگونی صدام محدود کرده سعی داشتند با ظاهری "مظلوم" و "آزادخواهانه" توجه و حمایت شرکت کنندگان در کنفرانس را جلب کنند. نمایندگان چادره سر و مقتعه پوش جمهوری اسلامی کوچکترین انصیتی به مساله زن نداده و نوجهی به بحثهای کنفرانس نداشتند و از دادن جواب به هرگونه سوالی در مورد مساله زنان طفره می رفتند.

نمایندگان کمیته زنان سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و انجمن زنان ایرانی در لندن، ضمن شرکت در کنفرانس فیردولتی با پخش اعلامیه سخنرانی و مصاحبه های مطبوعاتی و تماس با نیروهای انقلابی موفق شدند سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و نمایندگان ارتجاعی آنها افشا کنند. غرفه "کمیته زنان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران"، با استقبال بسیار زیاد شرکت کنندگان

PROPOSED RESOLUTION

ON VIOLATION OF HUMAN RIGHTS, EXCESSIVE DISCRIMINATION AND REPRESSION AGAINST WOMEN BY THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

Proposed by: Committee for Women's Democratic Rights in Iran (I.W.D.C.)
For ratification by: U.N. Decade for Women, Non-Governmental Organizations Forum
July 10-20, 1985, Nairobi, Kenya

Opposing the unjust and dictatorial regime of the Shah and the imperialistic domination, Iranian women played a significant part in the 1979 revolution. But the Islamic Republic that was established in Iran's place has proved to be one of the most oppressive, discriminatory, and repressive regimes that we have witnessed in modern times.

- WHEREAS: The Islamic Republic of Iran not only has not honored the objectives of U.N. Decade for Women, but by ratifying the Universal Declaration of Human Rights and the U.N. Definition of Equality, Development, and Peace, its Women and men Islamic countries, has totally rejected the ideal, concepts and common understanding of civil and domestic rights of women and men.
- WHEREAS: The Islamic Republic of Iran (I.R.I.) not only has not made any attempt to alleviate obstacles hindering the enjoyment by women of equal status with men, but also has tried to diminish all the previous achievements of Iranian women, particularly those of the 1979 revolution.
- WHEREAS: The Islamic Republic by enforcing the most discriminatory policies and medieval regulations such as the restriction (jehad) law which declares women's witness and number of votes to be only half that of men's, has denied equality and worth of women as full human beings.
- WHEREAS: Islamic Republic of Iran has imposed particular restrictions on women of national minorities, especially Kurdistani women, by closing the schools and the raising Islamic Sharia regulations in their different parts.
- WHEREAS: The Islamic Republic of Iran has further hindered the attainment of equality by imposing restrictions on every field of women's life: compulsory veiling, usually segregated public places, restriction on women's choice of field for higher education, abolition of secondary public education and enforcement of segregated education which accelerating the shortage of girls' schools, it was decreased in terms of women.

قطعنامه پیشنهادی به کنفرانس دهه زن



ON THE SITUATION OF WOMEN UNDER ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

TO: U.N. DECADE FOR WOMEN, NON-GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS NAIROBI, KENYA JULY 1985

Submitted by: COMMITTEE FOR WOMEN'S DEMOCRATIC RIGHTS IN IRAN (SUPPORTERS OF O.I.P.F.G.)

موقعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران

به: کنفرانس سازمان ملل برای دهه زن، بخش سازمانهای غیر وابسته به دولتها، کنیا، نایروبی، جولای ۱۹۸۵

از: کمیته اطلاع از حقوق دموکراتیک زنان ایران (هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)

موسسه بین بینش در نیویورک، مرکز بینش در نیویورک، روزنامه رادیکال (سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)

جزوه تبلیغی کمیته زنان

تنبیه عیایی چون سنگبار کردن و شلاق زدن را قانونی کرده، به تجاوز و کشتار هزاران زن زندانی سیاسی دست زده است؟ نظریه اینک: رژیم است قطعنامه زیر در مورد ایران

برای از بین بردن موانع برابری زن و مرد برداشته است بلکه کوشیده است تا دست آورد عیایی گذشته زنان ایران را به ویژه دست آوردهای انقلاب ۱۹۷۹ را نابود کند؛

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 به چهارمین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان غربی
 هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رژیم جمهوری اسلامی را باور نکرده، مبارزه بی‌امانی را جهت سرنگونی این رژیم واپس‌گرا و برقراری دموکراسی و سوسیالیسم آغاز کرده‌اند. در چنین شرایطی بیش از همیشه شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی به‌عنوان یک شعار تبلیغی زمینه عینی و کاربرد عملی پیدا کرده است. چنین شرایطی موجب شده است تا بورژوازی هراسان از ثوفان انقلاب به‌دنبال تدابیر گوناگون باشد تا به هر طریقی راه انقلاب را مسدود کند. سلطنت طلبان، بورژوا لیبرال‌ها و بورژوا رفرمیست‌ها به‌مثابه آلترناتیوهای سرمایه‌داری می‌کوشند بار دیگر مبارزات توده‌های زحمتکش را منحرف کنند. دار و دسته‌های گوناگون لیبرال در درون و خارج از دولت در پی تقویت موقعیت خویش و دستیابی به اتحادهای جدید هستند. از طرف دیگر رفرمیست‌های ضدانقلابی در پی آنند که با طرح برخی اصلاحات ادامه سیادت سرمایه را تضمین کنند. امروزه ضدانقلابیون توده‌ای و اکثریتی‌ها پس از سال‌ها همکاری با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تلاشند تا با اتحادی از نیروهای رفرمیست بار دیگر مبارزات به‌حق کارگران و زحمتکشان را به‌بیراهه بکشند.

در این میان جریان‌های متزلزل و سانسریست نظیر راه کارگر، در خارج از کشور راهگشای این نیروهای ضدانقلابی به‌محافل و مراکز دانشجویی شده تمام توان خود را به‌کار گرفته‌اند تا بار دیگر صف انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش کنند غافل از اینکه خلق‌های میهنمان هیچگاه بشتیانی ضدانقلابیون توده‌ای - اکثریتی (هر دو جناح) از رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب و جنبش توده‌ها را فراموش نخواهند کرد.

خلق قهرمان کرد همچنان زیر یورش‌های سبعانه رژیم جمهوری اسلامی به‌مقاومت دلورانه خود ادامه می‌دهد. اگرچه جنگی که بین دو سازمان محلی کردستان (حزب دموکرات و کومه‌له) از مدت‌ها پیش درگرفته است تا کنون لطمات شدیدی به جنبش مقاومت خلق کرد وارد نموده است. در این میان سیاست‌ها و عملکردهای اخیر حزب دموکرات فقط به‌جنگ با کومه‌له محدود نمی‌شود، بلکه اتخاذ سیاست خصمانه در منطقه علیه کلیه نیروهای انقلابی به‌سیاست عمومی حزب دموکرات تبدیل شده است. این حزب کار را به‌حالی رسانده است که به‌بهبانه جنگ با کومه‌له آشکارا اعلام می‌دارد برای عبور از مناطقی که تحت کنترل حزب دموکرات می‌باشد سایر نیروهای انقلابی نیاز به "اجازه رسمی" از جانب حزب

دارند؟!

امروز با شکست برنامه بورژوایی " شورای ملی مقاومت" و تلاشی این "شورا" و بر ملا شدن ماهیت سازشکارانه آنان آلترناتیو پرولتری و در محور آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بیش از پیش جای خود را در بین توده‌های زحمتکش باز می‌کند، پرولتاریای ایران به‌مثابه تنها طبقه تابه‌آخر انقلابی استوارتر از همیشه در راستای سرنگونی رژیم وابسته جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند.

رفقای هوادار

در طی چند سال گذشته شما هواداران سازمان در خارج از کشور با افشای بی‌رحمانه جنایات رژیم جمهوری اسلامی و انعکاس مبارزات به‌حق توده‌های زحمتکش میهنمان نقش‌بزایی ایفا نموده‌اید. شما در گذشته با مبارزه پیگیر علیه نیروهای ضدانقلابی مانع مخدوش شدن صف انقلاب و ضدانقلاب شده‌اید. امروز نیز وظیفه شماست که با افشا و طرد جریان‌ات رفرمیست و سانسریست که میدان عمل خود را در خارج از کشور انتخاب کرده‌اند و با بهانه قرار دادن "دفاع از دموکراسی" سیاست همه با هم را پیش کشیده‌اند و بحث‌های کهنه شده رفرمیستی را تکرار می‌کنند، نقش برجسته خود را ایفا نمایید. شما می‌توانید و باید با دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک و ارتقا دانش سیاسی خود پیوند مستحکم تری با مبارزات گسترده و سراسری سازمان در داخل ایران بردارید، با سازشکاری مبارزه کنید، لیبرالیسم و رفرمیسم را ایزوله نمایید و در تئوری و عمل همچنان پیشاهنگ مبارزات دانشجویی قرار بگیرید. ضرورت برقراری اصول و مناسبات تشکیلاتی در چارچوب برنامه و سیاست‌های سازمان یکی از مایلی است که در جهت پیشبرد اهداف و وظایف انقلابی شما در شرایط کنونی بیش از پیش اهمیت یافته است. خود را درگیر خرده کاری و بحث‌های فرمایشی ننمایید، جریان‌هایی که محور نزدیکی خود را ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق قرار داده‌اند هرگز راه به‌جایی نخواهند برد. شاید مضحکه سازمان‌سازی و رویای رهبری مجاهدین در گذشته درس آموزنده‌ای برای دیگر عوام‌فریبان و مدعیان کاذب و دروغین رهبری توده‌ها نشده باشد. بگذار افراد پست و بی‌مقدار در خارج از کشور در ضدیت با طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به آستان بوسی جریان‌ات بورژوایی بشتابند. شما نیز در عمل به‌آنها ثابت خواهید کرد که هرگونه ادعایی باید در برخورد با محک پراتیک مبارزه حقانیت خود را نشان دهد. پیروز باشید.

کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 ۲۷ تیر ۶۴ (۱۸ ژوئیه ۸۵)

روزی سیاه در تاریخ ایران

کرده‌اند و پادگان در آستانه خلع سلاح است". بدینسان حمله یکپارچه نظامیان و پاسداران به پناهگاه‌های گوناگونی به سنجند، دیواندره و ایرانشهر آغاز شد. در نتیجه این حمله، نیروهای سرکوبگر، با کمک نیروهای مفتی زاده مزدور، عده زیادی را دستگیر کردند، به تحمّن زنان معترض در استانداری باقتدای تفنگ و شلنگ آب و شلیک هوایی پاسخ دادند و بر روی موتور سواری که فرمان ایست پاسداران را نشنیده بود آتشش گشودند و سپس، برای لاپوئانی قضیه، اسلحه در دستش گذاشتند تا وانمود کنند که گویا موتورسوار کشته شده قصد حمله به پاسداران را داشته است. اما مردم که از این توطئه شوم باخبر بودند، پس از به خاک سپردن جنازه موتورسوار، با شعار " پاسداران اعزامی اخراج باید کردند" و " نیروی مفتی زاده خلع سلاح گردد" به خیابانها می‌ریزند که مورد هجوم و گلوله باران پاسداران و نیروهای مستقر در مسجد جامع قرار می‌گیرند و چهار نفر زخمی و عده‌ای دستگیر می‌شوند. شب بعد، دادگاه " عدل " خلخالی برپا می‌شود و ۹ رزمنده سنجندی به وحشیانه‌ترین شیوه ممکن به جوخه اعدام سپرده می‌شوند. فدایی شهید، احسن ناهید، که دو روز قبل از تظاهرات دستگیر شده بود، هنگام فرار مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و مزدوران رژیم او را بر روی برفا شکار کرد، در حالیکه پایش در گچ بود و بر اثر شکنجه، دست راستش شکسته و سینه و کمرش آسیب دیده بود، اعدام می‌کنند. دیگر دستگیرشدگان نیز بدین روال قربانی سببیت بی‌حد و حصر مزدوران می‌شوند. اما جنایات رژیم تنها به این وقایع ختم نمی‌شود. در مریوان، بعد از مستقر شدن ارتش، گشت خانه به خانه آغاز می‌شود و در طی آن ۹ مبارز مریوانی دستگیر می‌شوند. خلخالی جانی حکم اعدام این ۹ تن را صادر می‌کند، ولی آنان را به جای اعدام کردن به پاسداران جانی دست پرورده قیاده موقت می‌سپارند؛ و این جانشین چشم یکی از مبارزان را با آتش سیگار می‌سوزانند، گوشت ران تنی دیگر از آنان را به خوردش می‌دهند و دست و پای سه نفر دیگر را می‌برند و بعد همه را به فجیع‌ترین وضعی به قتل می‌رسانند.

رژیم، از آنجا که بیشتر نیروها پیش در سنجند مستقر شده بود، به منظور فرستادن آنان به دیگر نقاط، با

۱۳۵۸ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ سرآغاز حمله وسیع و همه‌جانبه رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی به کردستان و ساروز کشتار فرزندان خلق، رفقا یوسف کشی زاده، ابوالقاسم رشوند سرداری، هرمز کرجی بیان، آذرنوش مهدویان احسن ناهید، جمیل یخچالی و... هرگز از تاریخ مبارزاتی خلقهای قهرمان ایران محو نخواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی که از همان اوان به قدرت رسیدنش بنای ضدیت و کینه توزی با مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران را گذاشته بود، در مصاف با خواسته‌های برجسته خلق کرد - خلقی که نالها تحت ستم ملی قرار داشت - به سرکوب و کشتار متوسل شد و به آرزوهای دیرینه‌ی آن با زبان گلوله، یعنی به منفی‌ترین نحو ممکن، پاسخ گفت. اما خلق قهرمان کرد، که حاضر نبود که، پیش از رسیدن به حقوق حقه خود اسلحه بر زمین بگذارد، در برابر سرکوب خداوند انقلابیون اسلامی به مقاومتی حماسی دست زد و در برابر یورشهای مغول وار آن ایستادگی کرد. این چنان بود که رژیم، ترسان از رشد روزافزون جنبش خلق کرد و امیدوار به سرکوب قطعی آن، مجبور شد تا حمله‌ای وسیع و کشتاری بی‌ابقه در کردستان را تدارک ببیند. در این راستا، در تابستان ۵۸، ابتدا با توسل به دروغ‌پردازی و تبلیغات زهرآگین از طریق رادیو و تلویزیون در رابطه با نقش کردها و کمونیستها در به وجود آوردن قحطی و فقر در کردستان، زمینه مناسب را برای توجیه چنین حمله‌ای فراهم آورد و سپس، با نقشه‌ای که از پیش طرح آنرا ریخته بود، و سازماندهی نیروهای سرکوبگر خود، حمله را از ناحیه پاوه آغاز کرد.

برای انجام دادن این کار، از پادگان سنجند گروهان ۳ گردان ۱۸۲ به پاوه اعزام شد، و در همان روز (۲۸ مرداد) رژیم چهار فرونده‌های حامل نظامیان را به فرودگاه سنجند روانه کرد و سپس، به منظور نمایش قدرت، ارتشیان را سوار بر اتوبوس از وسط شهر گذراند. در این رابطه، مفتی زاده، برای توجیه حضور ارتشیان در سنجند اعلام کرد: " چون شایع بود که شاه در روز ۲۸ مرداد می‌خواهد برگردد، ارتشیان را احضار کردیم". در رابطه با گسیل نظامیان به کردستان رادیویی رژیم اعلام کرد: " از مسجد جامع خبر رسید که زنان ما را حزب دموکرات به کروجان برده و شهر را محاصره